

# فرهنگ لغت الفی به فارسی

(زبان کوئینیا- الفی مورد استفاده در آثار جی. آر. آر تالکین)

Art By Noah Bradley



## فرهنگ لغت الفی به فارسی

مترجمان:

رضوان نادی

مازیار یگانه

صدرا گرجی

سجاد . ک

پر نیان . م

منصوره صادقی

باتشکر از:

محمد حسین شکوهی

شیرین نعمت الهی

*English Reference:*

*Quenya-English Dictionary Presented By Ambar Eldaron*

تمامی امتیازات و حقوق این اثر متعلق به وبگاه آردا می باشد.

www.Arda.ir

## فهرست

پیش گفتار.....	صفحه ۷
راهنمای استفاده از فرهنگ لغت الفی-فارسی.....	صفحه ۸
فصل اول (احساسات و صفات فردی).....	صفحه ۹
فصل دوم (اسلحه و اصطلاحات جنگی).....	صفحه ۲۴
فصل سوم (اسامی خاص).....	صفحه ۲۷
فصل چهارم (اشیاء).....	صفحه ۳۰
فصل پنجم (اعداد).....	صفحه ۳۵
فصل ششم (البسه و پوشیدنی).....	صفحه ۳۹
فصل هفتم (القاب و عناوین عمومی).....	صفحه ۴۱
فصل هشتم (بدن و اعضای آن).....	صفحه ۴۶
فصل نهم (ترانه ها، اصوات و سرگذشت ها).....	صفحه ۵۲
فصل دهم (حرف اضافه ها).....	صفحه ۵۶
فصل یازدهم (حیوانات).....	صفحه ۶۲
فصل دوازدهم (خانواده و نسبت اعضا).....	صفحه ۶۶
فصل سیزدهم (درختان و گیاهان).....	صفحه ۶۹
فصل چهاردهم (رنگ ها).....	صفحه ۷۳
فصل پانزدهم (صفت ها).....	صفحه ۷۶
فصل شانزدهم (ضمایر).....	صفحه ۸۷
فصل هفدهم (پسوند-پیشوند).....	صفحه ۹۱
فصل هجدهم (طبیعت).....	صفحه ۹۵
فصل نوزدهم (غذا و نوشیدنی).....	صفحه ۱۰۳

فصل بیستم (فعل).....	صفحه ۱۰۶
فصل بیست و یکم (قیدها).....	صفحه ۱۲۲
فصل بیست و دوم (متفرقه).....	صفحه ۱۲۷
فصل بیست و سوم (مشاغل).....	صفحه ۱۳۶
فصل بیست و چهارم (مکان ها و جهت ها) .....	صفحه ۱۳۹
فصل بیست و پنجم (نژادها و اقوام) .....	صفحه ۱۴۶
فصل بیست و ششم (وقایع و بازه های زمانی).....	صفحه ۱۵۰



## پیش گفتار

اواسط سال ۹۷ و سال دوم فعالیتیم در فروم آردا، به همراه چند تن از کاربران فعال آن زمان تصمیماتی مبنی بر تمام کردن بعضی از فعالیت های ناتمام سایت گرفتیم و اولین انتخاب مان از گزینه های پیش رو، فرهنگ لغت الفی-پارسی بود. پیشنهاد شروع این پروژه از سال ۹۳ در فروم آردا مطرح شده بود و توسط برخی کاربران دنبال شده بود اما هنوز به نتیجه ی کاملی نرسیده بود.

برای شروع فایل پی دی اف انگلیسی (نسخه کوئینیا) را از کاربران قدیمی گرفتیم و دست و پا شکسته شروع به ترجمه آن کردیم. بعد از مدتی صدرا گرجی (کاربر soldier of gondor) به کار اضافه شد و با پیوستن رضوان نادی (کاربر Lord Thranduil) ترجمه بیش از پیش سرعت گرفت. از مشکلات مهمی که در طول ترجمه اثر با آن سر و کار داشتیم، تک کلمه ای بودن معانی و نداشتن مثال در جملات بود که این باعث ابهام در ترجمه کلمات چند معنی انگلیسی و وقفه در کار می شد. با این حال، بعد از اضافه شدن سجاد کاکولوند (کاربر \*فنانور\*)، مازیار یگانه (کاربر Eruyeganeh) و پرنیان عزیز (کاربر Uinen) کار با سرعت زیادی پیش رفته و ترجمه کامل شد.

یکی از سخت ترین بخش های کار، ویراستاری، دسته بندی و جدول بندی بود که زمان زیادی طول کشید. در فایل اصلی کلمات پشت سر هم و به ترتیب حروف الفبای انگلیسی، آورده شده بودند که حفظ این نوع از فرهنگ لغت، قطعاً برای مخاطب فارسی کاربرد کمتری داشت. پس تصمیم بر این شد که در نسخه فارسی، دسته بندی کلمات را بر اساس موضوعات و سپس ترتیب الفبای انگلیسی در هر موضوع انتخاب شود. این دسته بندی، باعث ایجاد ۲۶ فصل شد که در فهرست مشاهده می کنید.

کار ویرایش هم زیر نظر دو نفر از کاربران آشنا به زبان الفی، انجام شد و در حین جدل بندی و آماده کردن نسخه نهایی، بارها شخصاً به بررسی و اصلاح کلمات پرداختیم. نهایت سعی ما بر این بود که این فرهنگ لغت به خوبی جوابگوی نیاز علاقه مندان به آثار پروفیسور تالکین و علی الخصوص زبان های الفی مورد استفاده در این آثار، باشد. امید است که این تلاش، نتیجه بخش بوده باشد.

منصوره صادقی

بهار ۱۳۹۹

## راهنمای استفاده از فرهنگ لغت الفی-فارسی

در نسخه انگلیسی، دسته بندی موضوعی وجود نداشت و برای هر کلمه فعل، صفت، پسوند، پیشوند و... مشخص شده بود. در نسخه فارسی سعی بر این بوده که از طریق دسته بندی موضوعی و فهرست ابتدای کتاب، کار جستج راحت تر شود. ضمن این که ذکر چند نکته خالی از لطف نیست:

۱. (p) در انتهای برخی کلمات به تلفظ th انگلیسی شباهت دارد و در نوشتار تنگوار از لفظ sülë به جای silmë استفاده می شود.

۲. علامت (...-...) ممکن است در انتها یا ابتدای کلمه ذکر شده باشد که نشان از وصل شدن این کلمه به کلمه ی قبل یا بعدش، به عنوان پسوند یا پیشوند دارد.

۳. برخی از کلمات به دلیل چندگانگی معنی شان ممکن است حداقل در دو دسته بندی مختلف دیده شوند. این به منزله اشتباه بودن یکی از معانی نیست.

۴. اکثر کلماتی که در دسته (متفرقه) می باشند، از دید ویراستار در دسته مناسب و مشخصی جای ندارند. در این بین ممکن است کلماتی جا افتاده باشند، با این حال در معنی و کاربرد این کلمات ایرادی به وجود نمی آید.

۵. اگر معنای فارسی کلمه ای را در نظر دارید از قسمت جستجوی فایل پی دی اف عمل کنید تا آسان تر به کلمه الفی مدنظرتان برسید.

باشد که این سفری باشد  
که روزت را روشن کند  
و هنگامی که شب بر روز غلبه کرد  
باشد که به جستجوی خورشید برخیزی

(ارباب حلقه ها)



## فصل اول

### احساسات و صفات فردی

---

کلمات و عباراتی که به احساسات و صفات فردی و شخصی فرزندان ایلوواتار و موجودات هوشمند سرزمین میانه اشاره دارند.

معنی فارسی	الفی
شکنجه	Angaitya
استعداد، موهبت	Anna
رنج، مرگ	Anqualë
پیش بینی	Apacenyë
پیروزی	Apairë
قهرمان، والامقام	Aráto
آزادی	Aranya
بلند، ارجمند، اصیل	Arata
چابک، عجلول	Arauca
دادخواست	Arcandë
مالکیت	Arwa
خوش نوا	Asalastë
پیدا، نمایان (مونث)	Ascenë
پیدا، نمایان (مذکر)	Ascenima
آرام، راحت	Asië

معنی فارسی	الفی
هیبت، وحشت	Àya
سنگ دل، خوفناک، بیدادگر	Aica
رونق یافتن، پیشرفت کردن	al-
سریع، چابک	Alarca
جاهل	Alasaila
لذت، نشاط	Alassë
شکوه، زیرکی، زرق و برق	Alcar
خوش شانس، ثروت	Alma
رستگاری، خوش شانسی	Almarë
چیز خوب، رحمت، ذره ای شانس خوب	Almë
خوش اقبال، خوشی	Almië
پولدار، فراوان	Alya
خجسته، رها از شیطان	Aman
خوشبخت	Amanya
نام داده شده	Anessë

معنی فارسی	الفی
ترسو	Caurëa
خواندن	Cenda-
ارتباط، سوال	Centa
انتخاب	Cilmë
زنده	Coina
پر حرکت	Coirë
زنده	Coirëa
بیدار	Coiva
دشمن	Cotya
زندگی	Cuilë
زنده	Cuina
بیداری	Cuivë
بیدار شدن	Cuivëa
مهارت	Curu
دوستی پایدار	-ndil ، -Dil

معنی فارسی	الفی
ایمان، وفاداری (نه عقیده)	Astar
زوال یافته	Atalantëa
دو دستی	Atamaitë
بی میل، بی تمایل	Avanir
گناه، جرم، مسئولیت، عهده	Cáma
شجاعت، اهمیت	Cánë
در تخت خوابیده، بیماری	Caimassë
بستری، بیمار	Caimassëa
روشن بخت، نیک بخت	Calambar
صفت، زیبا	Calwa
خبر، آگاهی، سفارش	Canwa
جسور، گستاخ، سرزنده	Canya
هنر، هنر الف ها برای به تصویر در آوردن کلام	Carmë
علت، سبب، انگیزه	Casta
ترس	Caurë

معنی فارسی	الفی
باهوش	Eptafinya
متفاوت	Exa
قابل تحقیر، خوار پست فطرت، بدجنس	Faica
شایستگی، قابلیت، کمال	Fárë
قابل تحقیر، خوار پست فطرت، بدجنس	Faica
با انصاف، منصف، بخشنده	Faila
مرگ طبیعی	Fairë
آزادی	Fairië
زیر، بینا، تیزهوش	Fanta: fantarcenya
شایستگی	Farmë
تشنگی	Fauca
انگیزه، احساسات، هیجانات	Felmë
بلند و باریک	Fimbë (fimbi-)
زبردست	Fínë
چالاک	Fínëa

معنی فارسی	الفی
معاف شدن، از خدمت آزاد شدن	-Dur
مرگ	Effirië
تعجب	Elmenda
بیمارگونه	Engwa
بازگشت، مراجعت	Entulessë
پیر	Enwina
منزوی، تنها، ناسپاس	Erda
شخصی درست، کامل	Erdë
یکی، تنها	Erëa
خلوت، تنهایی، انفراد	Eressë
تنهایی، مجرد، گوشه نشین	Eressëa
تنها	Erinquä
منحصر به فرد، تنها، یگانه	Erya
اعتماد، امید	Estel
خارجی، بیگانه	Ettelëa

معنی فارسی	الفی
صدمه	Harwë
حرکت دستپاچه	Hatsë
برهنه، عربان	Helda
چشم تیز	Hendumaica
ناشی، خامکار، سخت، مشکل	Hranga
دستور	Heren
خوش شانس، ثروتمند، برکت، غنی	Herenya
مرده، خشک شده	Hessa
بیمار-مریض-ناخوش	Hlaiwa
انگیزه	Hórë
تداخل وحشت، درد، انزجار	Horro
کارشیطانی	Hrúcarë
خواب	Húmë
نفرین شده، ملعون و مطرود	Húna
دروغ	Huru

معنی فارسی	الفی
فانی، میرا	Fírima
باهوش (از راه های فرعی)	Finca
دارای موی زیبایی بودن	Findel
مرده (بر اثر اتفاقات طبیعی)	Firin
کلک، حقه	Fintale
ماهر، زبردست، چالاک	Finwa
باهوش	Finya
پنهان، غایب، متواری	Furin
دروغ	Furu
سایه انداختن	Hala
بلند	Halla
آرام، با حوصله	Hampa
با درک، با هوش	Handa
دیگری	Handelë
صدمه دیده	Harna

معنی فارسی	الفی
رنگ پریده، پژمرده	Isca
تخیل، تصور، توهم، فانتزی	isima (p?)
دانا	Isqua
دانش، آگاهی	Ista
دارای علم و آگاهی	Istima
دانایی، علم، آگاهی	Istya
تحصیل کرده، انسان دانش آموخته	Istyar
دانا	Iswa
دعا	Kyermë
استماع-گوش دادن	Lasta
ازاد، عاری از... (اشخاص)	Léra
آزاد-آزاد شده	lehta-
ظریف، زیبا، خوب، قلمی	Lelya
ترک بعضی افراد	Lemba
آرام	Lenca

معنی فارسی	الفی
باهوش	Hyana
طلب، آرمان، ارزو	Írë
زیبا، دلربا، خواستنی	Írima
نامیرا، جاودان	Ilfirin
عاشقانه، خالق کل، دارای قدرت خلق	Ilucara
عاشقانه، خالق کل، دارای قدرت خلق	Iluisa
عالی، کامل، سرآمد	Ilvana
عالی، کامل، سرآمد	Ilvanya
همه، همگی	Ilya
مدیتیشن ذهن	incánus(së)
فکر، خاطره، نیت	Inca
تصویر سازی ذهنی	Indemma
قلب و ضمیر، مزاج، حالت	Indo
سر و صدا، غوغا	Indyalmë
زنانه	Inya

معنی فارسی	الفی
اشتباه در سخنرانی	Loiquetë
خواب آلود، چرتی	Lorda
خواب	Lorna
تابان برای اشیاء، صمیمی برای مردم	Lúsina
مدیون، بدهکار، کسی که خطایی مرتکب شده	Lucando
بدهی، تخلف	Lucassë
مدیون، بدهکار، کسی که خطایی مرتکب شده	Lucindo
بیزار	Lumba
دست سنگین	Lungumaitë
زیبا، خوب رو	Maia
هوس، شهوت، حرص	Mailë
شهوتران	Mailëa
گرسنه، حریص، مشتاق	Maita
چالاک، ماهر	maitë (maiti-)
ساده لوح، زودباور (نوعی رنگ خاکستری کمرنگ)	Maiwë

معنی فارسی	الفی
سفر	Lenda
اشاره، مشخصه، ویژگی، نظر و...	Lengë
بلند و باریک، راست، باریک	Lenwa
ترک کردن، عزیمت	Lenwë
آزاد از چیزها، بی محافظ، اندوخته شده	Lerina
سریع، چابک	Limbë
باریک، قلمی، سست	Limpa
ملیح	Lindelëa
چابک	Linta
چابک، سرعت	Lintië
پیر، سن زیادی داشتن	Linyenwa
شوخی	Lirulin
عمل اشتباه	Loicarë
اشتباه	Loima
اشتباه در نوشتن	Loiparë

معنی فارسی	الفی
قدرتمند	Meletya
جذاب، خوب رو	Melima
گرامی، عزیز	Melin
اراده، خواست، آرزو	Mendë
قصد شروع داشتن، مشتاق رفتن بودن	Mína
حریص، طماع	Milca
مقصود، مراد، طمع	Milmë
بوسه ی شیرین	miquelis (miquelis(s)-)
بندگی، بنده وار	Móla
آشنا و مانوس، عزیز	Moina
محرمانه بودن، راز، رازداری، اختفا	Muilë
چرتی، سست، خواب آلود	Murmëa
دراز و باریک	Náha
احضار، فراخوانی	Nahámë
ضجه و زاری کردن، تاسف خوردن، سوگواری کردن	Naina

معنی فارسی	الفی
عطش، اشتیاق زیاد	Maivoinë
شکنجه، عذاب	Malcanë
حکم ابدی، سرنوشت، اقبال، عاقبت، محشر	Mandë
حبس، توقیف، محافظت، زندان	Mando
خوبی، قدرت تشخیص و احساس خوبی	Mane
تجاوز، ربایش، تصرف	Maptalë
دیوانه، در سكرات مرگ بودن، به نفرینی دچار شدن	Marta-
رویا، چشم انداز	Maur
لزوم، نیاز، احتیاج	Maurë
اجبار، اضطراب	Mausta
دست داشتن	Mavoitë
با محبت، صمیمی، خونگرم	Méla
محبوب، معشوق، عزیز، شیرین و مطبوع	Melda
بزرگ، قدرتمند	Melehta
قدرت، نیرو (ذاتی)	Melehtë



معنی فارسی	الفی
تصور، ایده	nó (nów-)
خرده‌مند، آموخته	Nóla
دانش، اطلاعات، مطالعات طولانی	Nólë
سریع و قوی در دویدن	Nórima
دانش، حکمت (شامل علم)	Nolmë
خرد و فضیلت، دانش مخفی	Nolwë
تصور، ایده	Noa
سبک سفر کردن	Norolinda
بزرگ، قوی هیکل	norsa (p)
وحشت، بیزاری	Norto
تولد، پیدایش، زادروز	Nosta
پست، محقر، فروتنانه	Nucumna
زیر سایه، تحت سلطه	Nuhuinenna
ظالم، بی رحم	Nwalca
درد، رنج	Nwalma

معنی فارسی	الفی
ضجه و زاری کردن، تاسف خوردن، سوگواری کردن	nainaina-
تصور، تخیل، وهم	nausë (p)
بودن، موجودیت	Návë
شخص، فرد، یک نفر	Nassë
ضجه	Nairë
قضاوت و داوری یا درخواست	Náma
قضاوت و داوری یا درخواست	Námië
موظف، مقید	Nauta
جوان	Nessa
جوان بودن، جوانی	Nessima
آرزو، خواسته، منظور	Níra
دوستانه، عاشقانه	Nilda
دوستی، محبت، رفاقت	Nilmë
سست، خمیده، مریض	Nimpa
سعی و تلاش برای خواسته	Nirmë

معنی فارسی	الفی
لخت، برهنگی یک شخص، همچنین نامی در تنگوار	Parca
دزدی، دزد	Pilwë
تعقیب	Pimpë
قدرت	Poldorë
بیماری، تهوع آور	Quámëa
رنج، مرگ	Qualmë
مرده	Qualin
تمام متعلقات مربوط به الف ها	Quenderin Quendian.
آسایش، آرامش، آسودن	Quildë
سرگردانی، آوارگی	Ránë
فقیر، محروم	racina
بر انگیخته، گرفتار	Raina
لبخند زنان، بخشنده	Raina
آزاد	ranya
رها شدن، نجات پیدا کردن	Rehtië

معنی فارسی	الفی
عذاب، شکنجه، زحمت	Nwalmë
تلیاتی	Ósanwë
شیطانی، بد، شرور	Olca
رویا	Olor
دید، خواب	olos (olor-)
گناه	Ongwë
عجله، تندى، خشم، شدت	Ormë
با عجله	Orna
حمایت	Ortírië
بالا، ارجمند، عالی	Orwa
برخاستن	orya-
وحشت	Ossë
قوی یا نیرومند کردن جایگاه، سنگر	Osto
تنبیه	Paimë
توبیخ	Paimesta

معنی فارسی	الفی
منفور	Sancë
راسخ، پابرجا	Sanda
جمعیت، شلوغی، اجتماع	Sanga
بایستگی، نیاز، احتیاج	Sangië
افکار	Sanwë
فربه، گوشتالی	Sarquä
ثابت قدم، استوار، وفادار	Sarta
شخصی، اختصاصی	Satya
کار شیطانی	Saucarya
درست کردن یا انجام دادن چیزی خیلی بد	Saucarë
شنیع، پلید	Saura
آرمیدن، آرامش	Sërë
خواست، اراده	Selma
در آرامش، آرام گرفتن	Senda
صلح، سلامتی، سازش	Sívë

معنی فارسی	الفی
گرفتار کردن	Rembina
حد کمال	Rína
جمعیت، ازدحام، تعداد زیاد	Rimbë
بدهکار، مدیون	Rocindë
استوار، محکم	Ronda
رفتار شیطانی	Rúcarë
خشمگین	rúsë (p)
بسیار خشمگین	rúsëa (p)
مدیون، بدهکار	Rucindë
رهایی دهنده	Runando
خشم	Rusca
روباه صفت	Ruscuitë
غم اندوه	Sánë
خردمند	Saila
خردمند	Saira

معنی فارسی	الفی
منفور	Tevin
خواسته، آرزوی به یاد ماندنی	thelma pelma
راحتی، آسایش، تسلی، دلداری	Tiutalë
بزرگ، ماهر و عالی (در قدرت)	Túra
قدرتمند، استادانه	Túrëa
فتح، قدرت، نیرو، استحکام	Túrë
سفت و سخت، استوار، ثابت، ثابت قدم	Tulca
پشتیبانی، کمک	Tulco
چابک، سریع، فرز، شتاب زده	Tyelca
نهایی، قاطع	Tyelima
بدهی، تخلف	Úcarë
دست و پاچلفتی، بی مهارت	Úmaitë
گناهکار	Úcarindo
جمع ulqui، شرور	ulco (ulcu-)
شکنجه، عذاب	Ungwalë

معنی فارسی	الفی
دانش، دانا، فهمیده	Sívë
ذهن، رویاپردازی	Síma
تشنه، خشک، مشتاق	Soica
ثابت قدم	sorna (p)
تحریک، تهیج، فتنه انگیزی	Siulë
سراغ، به دنبال	surië p
رفیع، بزرگ، بلند، بلند پایه	Tára
عاقل، خردمند	Tára
ثابت، معین، استوار	Tanca
برادر، همزاد، دوتایی	Tanta
خشن، محکم، سفت و سخت، شق و رق	Tarya
مقتدر، زورمند	Taura
بغض، کینه، دشمنی	Tévië
بینش، نگاه سراسری	Tercen
بلند و باریک، ضعیف، قلمی	teren, terenë

معنی فارسی	الفی
نازیا	Úvanë
نازیا	Úvanëa
زشت	Úvanima
در نظر گرفتن موضوعی (برای تصمیم گیری)	Úvië
کار بدی کردن	Uxarë
الوهیت، والاریت	Valassë
نعمت، مهربانی	vald-
عزیز، ارزش، ارزشمندی	Valda
شاد	Valin
شانس، سعادت	Valto
قسم، عهد، سوگند	Vanda
زیبایی	Vanessë
زیبایی	Vanië
زیبا، خوب رو	Vanima
زیبا، فرزندان والار یا نژاد زیبا	Vanimo

معنی فارسی	الفی
دسته و گروه، ازدحام	Umba
سرنوشت، فرجام، نامی از تنگوار	umbar (umbart-)
سرنوشت، تقدیر	umbarta-
محروم، بی بضاعت	Úna
زیر سایه، تحت تسلط	Unuhuinë
با هم، با یکدیگر	Uo
گنگ، لال	Úpa
لال، بی زبان	úpahtëa
لال، بی زبان	Úquétima
شور، کریه	Úra
خشم	ursa (p)
انگیزه انجام کار بد	úsahtië (p)
رهایی، خروج، فرار	Uswë
راه فرار	Uswevandë
مجرد	Úvana

معنی فارسی	الفی
پیوند، سوگند، عهد	Véré
جسارت، خیرگی	Verië
جسور، بی پروا	Verya
عروسی، ازدواج	Veryanwë
زناشویی، ازدواج	Vesta
عروسی، ازدواج	Vestalë
مردانگی، قدرت	Vië
وفادار، ثابت قدم در پیمان و سوگند	Vórima
وفادار، ثابت قدم در پیمان و سوگند	voronda
باوفا، ثابت قدم در عهد	Voronwë
وحشی، هیجان زده	walda
احساسات، هیجان	Walmë
تغییر نظر	Walwistë
سبزی و طراوت، جوانی	Wén
دوشیزگی	wendelë
بکارت	wénë > vénë

معنی فارسی	الفی
راه رفتن	vanta-
غیب شده، از دست رفته	Vanwa
خوب رو، زیبا	Vanya
محافظت شده، امن	Varna
امنیت	Varnassë
شبیه، یکسان	Vávëa
بالغ، مردانه، نیرومند	Vëa
ظاهری، نمایان	Vëa
قدرت، نیرو	Vëassë
زندگی (شخصی)	Vehtë
دیدن	vél-
دوشیزگی، بکارت	vendë < wendë
باکریگی	vénë < wénë
باکره، دوشیزه	Vënëa
بکارت، دوشیزگی	Venessë
شخصی، خصوصی، متعلق	Véra

معنی فارسی	الفی
کودکانه، بچگانه	Winima
جوان، تازه، باطراوت	Winya
تغییر	Wirnë
عمل، اجرا	Yaima
زوزه، شیون	Yaimë
گریان، نالان	Yaimëa
تمسخر، ناسزا	Yaiwë
گریه، بانگ، غوغا	Yalmë
خمیازه	Yámë
غرغر، غرولند	yarra-
بانگ، فریاد پیروزی	Yello
تنفر، بی میلی	Yelmë
منفور	Yelwa
تمایل جنسی	Yérë
گردهمایی، دیدار (از حداقل سه مسیر متفاوت)	Yomenië

## فصل دوم

### اسلحه و اصطلاحات جنگی

---

کلمات و عباراتی که معرف ابزارآلات جنگ و اصطلاحات مربوط به رزم هستند.



معنی فارسی	الفی
نیزه	Hatal
ارتش، گروه، سرباز	Hossë
کمان	Lúva
شمشیر	Macil
تیغه یک ابزار یا سلاح تیز، به خصوص تیغه شمشیر	Maica
تیغ، خار، شوک، سرتیر	Necel
سرتیر، سر نیزه	Nehta
خار، میخ، تیر	Nassë
سرنیزه، نوک نیزه، تکه سه گوش، مثلث	Nasta
خنجر	Naica
جنگ	Ohta
تبر	Pelecco
کمان	Quinga
شاخ، شیپور	Rasco
بوق، کرنا	Rassë

معنی فارسی	الفی
زره سینه، سینه بند اسب، زره زانو پوش	Ambassë
شمشیر بلند	Andamacil
شعله ی غرب، نام شمشیر	Andúril
ابزار، اسلحه	Carma
کلاهخود، سکان	Carma
کلاهخود	Cassa
کلاهخود	Casol
کمان، هلال	Cú
کمان، هلال	Cúnë
شمشیر با دسته ی کوتاه	Ecet
نیزه	Ehtë (ehiti-)
نیزه دار	Ehtyar
شمشیر بلند	Falquan
کلاه خود	Harna
کلاه خود	Harpa

معنی فارسی	الفی
شاخ، کرنا	Róma
صدای بلند، صدای شیپور	Róma
صدای شیپور، صدای کرنا	Romba
کلاه خود	Sól
کلاه خود	Solma
کلاه خود	Solos
حصار، نوعی ارایش جنگی	Sandastan
خنجر، چاقو	Sicil
سپر، پوشش، حفاظ	Turma
شیپور، بوق، کرنا	Tumbë
شاخ، شیپور، کرنا	Tildë
شاخ، بوق، شیپور	Tarca
غلاف	Vainë
تیردان (برای نگه داشتن تیرها)	Vainolë

## فصل سوم اسامی خاص

---

اسامی شخصیت ها، اشیا و مکان های مشخص و نام برده شده در آثار تالکین

معنی فارسی	الفی
جواهر دنیایی، کلمه ی دیگری برای سیلماریل	Ilumírë
خدا، نامی مذکر، پدر همه	Ilúvatar
اسم همسر دوم فینوه	Indis
نور ستاره، ستاره ی چشمک زن، اسم یک مایا	Ilmarë
ملکه زمین (منظور یاوانا یکی از والار دنیای تاکین می باشد)	Kementári
نامی برای گلورفیندل	Laurefindil
سیریوس (یک ستاره)	Niellúnë
سیریوس (یک ستاره)	Nierninwa
بال های غرب، نام یک کشتی	Númerrámar
اسم یک ستاره یا سیاره که به صورت تجربی با نام اورانوس شناخته می شود	Nénar

معنی فارسی	الفی
نام گالادریل	Altariel
شعله ی غرب، نام شمشیر	Andúril
ستاره، سیاره، شناخته شده به عنوان مریه	Carnil
نام آن خالق مقتدر کسی که ساکن بدون جهان است	En
نام یگانه = خدا	Eru
نام سنگ الفی	Elessar
بانوی ستارگان، لقب واردا	Elentári
نام یگانه = خدا	Eruva
موجودی ابدی	Eru's
نام ارباب ابر، لقب ماندوس	Fantur
نام روح آتش فئانور	Fëanáro
صدف حلزونی، شیپور اولمو	Hyalma

معنی فارسی	الفی
اسم اولیه ی سائورون، قبل از تغییر th به s	Thauron (Pauron)
نزگول، سواران سیاه سائورون	Úlairë
هیولا (نامی برای ملکور)	Ulban (Ulband-)
مایایی که شرور شد و از ملکور پیروی کرد، مثل بالروگ ها	Úmaia
پوش و لفاف، به ویژه بیرون از دریا یا هوایی که جهان را در درون ایلورامبار یا دیوارهای جهان گنجانیده است	vaia < waia (vaiya < waiya)
داس خدایان، نامی برای صورت فلکی دب اکبر	Valacirca
ملکه والار	Valatári
بالروگ	Valcaraucë
والای مونث	Valië
والا (مذکر)	Valmo
والا (مذکر)	Valon
نامی برای خورشید	Vása
جواهر یاوانا، اسم درختی با میوه های کروی و گلبهی	Yavannamírë
نام مردانه / مسیح	Yésus

معنی فارسی	الفی
قلب آتشین، نامی برای خورشید	Naira
اسم ادبی جواهرات نولدویی، اسم دیگری برای سیلماریل ها	Noldomírë
ارباب ابر مرگ، اسم مستعار ماندوس	Nurufantur
ارو، اسم یکتا، خدا	Oiencarmë
نام دیگر گندالف که در والینور به آن معروف بود	Olórin
اسم یکی از چراغ های والار	Ormal
یکی از مایار که در خدمت اولمو بود، به معنی وحشت	Ossë
سائرون، نام یک مایا، ارباب تاریکی دوم	Sauro
کبود ردا، عنوانی برای الوه (الو)	Sindicollo (p)
جواهرات درخشانی که توسط فیانور ساخته شدن	Silmaril
نام سیلپیون	Silmerossë
جسم سیلماریل ها، اختراع شده توسط فئانور	Silima
ملکه، به طور خاص برای واردا استفاده می شود	Tári
نشانه دهنده، ستاره ی نشان دار + ونوس	Tancol

## فصل چهارم

### اشیاء

---

اسامی اشیا مورد استفاده و نام برده شده در آثار تالکین (بیشتر شامل اسامی که به عموم اشیاء اطلاق می شود و نه به صورت خاص)

معنی فارسی	الفی
داس	Circa
کشتی	Cirya
جعبه	Colca
بت	Cordon
حلقه	Corma
کره / توپ	Coron
تصویر	Emma
آهن، فلزی	Erë(eren)
خراش کوچک، خار، تیغ، تیغ های برآمده روی بدن مثل جوجه تیغی	Erca
بذر، دانه، ریشه، اصل	Erdë
پرده، صفحه	Fanwa
اویزه زدن، ریشه	Fatsë
کاسه	Fion
نی، نی شنی	Fen (feng-)
در	Fenna

معنی فارسی	الفی
مرمر	alas (alast-)
تله	Ampa
آهن	Anga
کشتی پادشاه	Aranus(së)
نور، چراغ	Cälë
تخت خواب	Caima
چراغ	Calar
مس صیقلی	Calarus (calarust)
شیشه، لیوان	Calca
لامپ، چراغ	Calma
لبه های دنداندار میخ	Caraxë
ردیف میخ ها/خوشه ها یا دندان ها	Carcaras, carcarassë:
سند	Carda
شیشه، لیوان	Cilin
ظرف نوشیدنی شیشه ای	Cilinyul

معنی فارسی	الفی
لیوان کوچک	Lipil
لاشه شمع (باقی مانده شمع سوخته شده)	Loicolícuma
یاقوت کبود	Lúlë
ارابه سنگین و بزرگ	Lunca
قایق	Luntë
تخت پادشاهی، سریر	Mahalma
گرده، پودری زرد رنگ	malo (malu-)
شیشه، کریستال، بلور	Maril
صدف، مروارید	Marilla
خمیر، پول	Maxë
جواهر، گوهر، سنگ گران بها	Mírë
جواهر یا سنگ درخشان	miril (mirill-)
چکش، چماق، پتک	Namba
پتک مسی	Nambarauto
چنگ یا غربال کوچک	Nandellë

معنی فارسی	الفی
دکل، تیر، جوزالش، دیرک	Ferna
صندلی	Hamma
گنج	Harma
کاغذ	Hyalin
کفش، نعل اسب	Hyapat
گاو آهن	Hyar
شیشه، ظرف	Hyellë
شیشه، ظرف	Hyelma
نقره	Ilsa
جواهر مادی، کلمه ی دیگری برای سیلما ریل	Ilumírë
زنگار مسی	Lairus: (lairust-)
مرهم، پماد	Laivë
قداره، همچنین عرشه یک کشتی است	Lango
بند	Latta
شمع مومی، شمع	Lipsa: lícuma:



معنی فارسی	الفی
لامپ	Róta
پیپ، چپق	Rotsë
آتشدان، اجاق	Ruimen
کاسه، جام	Salpa
کاسه ها	Salpë
سنگ (کوچک یا ریز)	Sar(sard)
نامه، نشانه	Sarat
دستخط، میز تحریر	Sarmë
میز	Sarno
قطره، جام، گیلان شراب، ساغر	súlo (súlu-, pl. súlwi)
ظرف یا مجرای نوشیدن	Sungwa
سنباق، میخ، گیره	Tancil
ابزار	Tamma
مس	Tampë
ماکو، ماسوره، قرقره، قلاب	Tangwa

معنی فارسی	الفی
تله، کمند، بند	Neuma
مخده، بالش، پشته	Nirwa
ناقوس، زنگوله	Nyellë
آرنج	Ólemë
بطری	Olpë
مجسمه سنگی	Ondomaitar
تکه ای از چوب تزیینی	Pano
بالش	quesset (quessec-):
تاج، برآمدگی	quín, quínë
کمر بند، حلقه	Quilta
تور	Raima-
شبکه، توری	Raimë
دیوار	Ramba
فلز	Rauta
تاج	Ríë

معنی فارسی	الفی
کاسه، قدح، جام	Tolpo
دیرک، دکل	Tyulma
آتش زنه	Tusturë
فلز مس	urus (urust-)
کشتی کوچک، بشقاب، ظرف	venë
ماده شیشه ای سحر و جادو از شفافیت بسیار دارد و در ساختن / مدل سازی ماه استفاده می شود.	Vírin
فولاد	Yaisa
ذغال، چوب نیم سوخته	Yúla
کاپ، فنجان، پیاله، ساغر	Yulma

معنی فارسی	الفی
مسدود کننده، چوب پنبه، سر بطری	Tampa
چوب به عنوان یک ماده	toa (töa)
نقره	Telep-
مته، سوراخ کن	Teret
آجر، خشت	Telar
قلم، مداد	Tecil
نقره، سیم	Telpë
فلز، آهن، همچنین اسمی از تنگوا ۱#	Tinco
نقره	Tyelpë
دستگیره، برجستگی، دستگیره کوچک گرد	Tolma

## فصل پنجم

### اعداد

---

شامل اعداد اصلی، ترتیبی، مدارها و واحدهای اندازه گیری

معنی فارسی	الفی
یک پنجم	Lepesta
یک پنجم	Lepsat
یازده	Minquë
یک یازدهم	Minquesta
عدد یک	Min
عدد یک	Minë
هجده	Nahta
سه	Neldë
سوم	Neldëa
یک سوم	Neldesta
یک سوم	Nelesta
سیزده	Nelquëa
یک سوم	Nelsat
یک سوم	Nelta
سوم	Nelya

معنی فارسی	الفی
چهار	Can-
چهارده	Canaquë
کسر ، یک چهارم، ربع	Canasta
کسر یک چهارم، ربع	Cansat
چهار	Canta
چهارم	Canteä
کسر یک چهارم، ربع	Casta
شش	Encë
شش	Enquë
کسر، یک ششم	Enquesta
اول، نخست	Esta
صد	Húmë
پنج اصلی	Lempë
پانزده اصلی	Lepenquë
پنج اصلی	Lepenya

معنی فارسی	الفی
اول	quárè, quár
ده	Quain
دهم	Quaista
ده	Quëan
عدد دوازده اصلی	Rasta
قسمت سوم زمین، جریب خارجی (برابر با ۴۳۵۶۰ فوت بر مربع یا حدود ۴۰۴۷ متر مربع)	Resta
هشتم	Toldëa
هشت	Toldo
هجده	toloquë
یک هشتم	Tolosta
کاسه، قدح، جام	Tolpo
یک هشتم	Tolsat
یک هشتم	Tosta
هشتم	Toltëa
هشت	Tolto

معنی فارسی	الفی
یک نهم	Neresta
یک نهم	Nersat
نه	Nertë
یک نهم	Nesta
نوزده	Neterquë
دوم، دومی، مجدد	Neuna
شماره، نمره، عدد	Nótë
عدد صحیح، رقم	Notessë
یک هفتم	Osta
هفده	Otoquë
یک هفتم	Otosta
یک هفتم	Otsat
هفتم	Otsëa
هفت اصلی	Otso
بخشی از نصف، یک دوم	Peresta
یک دوم	Perta

معنی فارسی	الفی
عدد اصلی / دوازده	Yuncë
عدد اصلی / دوازده	Yunque
عدد اصلی / سیزده	Yunquenta
کسر / یک دوازدهم	Yunquesta
عدد اصلی / بیست و چهار	Yurasta

## فصل ششم

### البسه و پوشیدنی

---

اسامی انواع پوشاک و پارچه ها و لوازمی که لباس ها از آن تهیه می شوند.

معنی فارسی	الفی
نیم تنه، ردا	Vacco
پوشش، لفاف	Vaima
ملبس	Vaina
حجاب، نقاب	vasar (b)
لفافه، پوشش	waita- > vaita-
بافت، بافندگی	were-
تار و پود	Winda
نساجی، بافندگی	Windelë
بافته، نمد	Wistë
کهنه، مندرس	Yerna

معنی فارسی	الفی
لباس چرمی	Alu
یقه ی زینتی، گردنبند	Firing
بافت، پارچه	lannë-
پوشاک	larma-
پیراهن، لباس	laupë-
ابریشم، پارچه	Samin (samind)
ابریشمی	Saminda(saminwa)
کلاه	Táta
از پشم، پشمی	Toa
رتبه، طبقه، الگوی لباس	Tyellë
پشم گوسفند، پارچه پشمی	Uë



## فصل هفتم

### القاب و عناوین عمومی

---

القاب و عناوین و منسب هایی که فارغ از خاص بودن شخصیت ها به مردم داده می شود

معنی فارسی	الفی
نجیب زاده	Callo
حامل	Colindo
شاهزاده / رهبر	Condo
دشمن	Cotto
دشمن	Cotumo
عاشقان الف	Eldameldor
دوست الف ها	Eldandil
مسیح	Elpino
چیزی یا کسی که شفا میدهد، جان میبخشد	Envinyatar
بعد از نام، نام مستعار	Epessë
درود بر خالق هستی	Eru
نام، اسم، نامی قدیمی از تنگوار	Essë
روح دریا، حوری، زن بسیار زیبا	Falmar (falmarind-)
روح	Fëa
پادشاه، رئیس قوم	haran (harn-)

معنی فارسی	الفی
پادشاه	Aran
شاهزاده	Aranel (aranell-)
پادشاهی	Aranië
نجیب	Arato
موجود وحشتناک، شیطان	Arauco
خوب ها	Armar
همسایه	Armaro
ناظر	Artarindo
وارث	Aryon
مومیایی شده	Amilyë
همسایه	Asambar (asambaro)
تماشاگر(حامی)	Astarindo
تماشاگر (در مواقع شهادت دادن)	Astarmo
ادم دورو	Ataformo
عالی، والار عالی مقام	Avatar

معنی فارسی	الفی
شخصیت برگزیده	Indómë
شاه برین	Ingaran
شخصی با دانش بسیار زیاد	Ingólemo
ارباب قومی	ingolmo
استاد خرد	Inkáno
استاد خرد	Inkánu
عزیزم	lapsë-
مردم	Lië
میزبان	Liyúmë
فرزند تاریکی	Lómëar
مردم سفید	Losselië
دوست، یار	Málo
منجی دنیا	Mardorunando
عاشق بودن (به عنوان دوست)	mel-
دوست، زن	Meldë

معنی فارسی	الفی
پرنس، وارث	Haryon
لرد، ارباب	Hér
لرد	Héré
خانوم کوچک	hérincë-
یک گم شده یا رها شده توسط دوستان، همسر، دربدر، یاغی	hecil (masc. hecilo, fem. hecilë)
بانو	Heri
ارباب لرد	heru, hér -
کاپیتان	hesto-
کودک	hína-
دسته-گروه	horma -
مردم	hos-
قبیله	hostar -
مسیح	Hristo
مرد شرقی	Hrónatani
شخص دیگر	Hye
نام پدری (یا مادری) دختر	-el

معنی فارسی	الفی
زن، بانو، کلفت، رفیقه	nís (niss-)
دوست (مونث)	Nildë
دوست (مذکر)	Nildo
دوست (مذکر)	Nilmo
زن، بانو، کلفت، رفیقه	Nissë
زن (بزرگ)	Nisto
شاه نولدور	Noldóran
فرد خردمند	Nolmo
دشمن	Notto
ارباب غرب	Númeheru
خدمتکار	Núro
مخلوق (اسم)	Onna
حساب کننده، مسئول (اسم)	Onótimo
شخص، یک نفر	-quén (quen-)
بانو	Quimellë

معنی فارسی	الفی
دوست، عاشق	Meldo
عاشق (مونث)	Melissë
عشق، معشوقه	Melmë
معشوق، عسل، شهد	Melu
عاشق (مذکر)	Melindo
مومیایی	Milyë
بنده، غلام و اسیر	Mól
پسر تاریکی	Morion
مرد، شخص، آدم، رفیق، نوکر، شوهر	nér (ner-)
جوانی، شخص جوان	nésë (p)
کوچک	nér
مرد کوچک، یک	Nercë
بزرگ، مرد قوی	Nerdo
جوانی، شخص جوان	Nessë
پیرو، شاگرد، جانشین	Neuro

معنی فارسی	الفی
هیولا، موجودی تغییر شکل یافته و شرور	Ulundo
هیولا، عفریت	Úvanimo
الهی، از آن و متعلق به والار	Valaina
اهریمنی از قدرت	Valarauco
والایی، از آن یا مربوز به والار	Valarin
دارای قدرت یا اقتدار(الهی)	Valya
اعضا، کارکنان	Vandil
مرد (بالغ)	Vëaner
روح	Vilissë
جوانی	Vinë
بچه، کودک	Vinë (vini-)
جوان	Vinya
جوانک، نوجوان	Vinyamo
جوانی	Virië
موجودات زنده	Wëo

معنی فارسی	الفی
وحشی	Ráva
روح پلید	Rauca
قوی، دشمن، مخلوق وحشتناک	Rauco
یار، همدست، کمک	Sámo
قادر مطلق، خدا	Sanavaldo
یار وفادار	Satar
کودک	Sé
دوست زن	Sermë
دوست مرد	Sermo
دوست	Seron
پادشاه (فقط) پادشاه های مشروع یک خاندان	Tár
ملکه	táris(së)
منادی، قاصد، جلودار	Tercáno
رییس، ارباب، (محافظان)	Tolmen
رییس، پیشرو	Turco
عامل، حامی، وکیل، نماینده	Tyaro

## فصل هشتم

### بدن و اعضای آن

---

علاوه بر اجزای مختلف بدن انسان، شامل عباراتی نظیر نقوص، بیماری ها و توصیف حالت ها و حرکات مختلف بدن نیز می باشد.

معنی فارسی	الفی
سر، راس	Cas
گوژپشت	Cauco
شکاف / زخم	Cirissë
مزاج، وضع	Eämbar
تیره پشت، ستون فقرات	Ecco
قلب، مرکز	Enda
ماهیت فیزیکی	Erma
ریش	Fanga
ریش بلند	Fantgë
پرمو، پشمالو، درهم پیچیده	Fassë
موی سر	Findë
بافتن، گیس بافته شده	Findelë
کچلی میان موهای سر	Findessë
سوراخی وسط سر (کچلی میان موهای سر)	Findilë
مو یا موی آراسته	Finë(fini-)

معنی فارسی	الفی
گردن، قسمت استخوانی گردن، پشته های سنگی	acas , axë
قفسه سینه	Ambos (ambost-)
ردیف دندان، فک	Anca
صورت	Anta
دهان	Anto
گودال، مکان سرباز، دهان	Assa
استخوان	Axo
سر، راس	Cár (cas-)
دست خالی یا دست	Camba
گودی دست	Cambë
شکل، صورت، تجسم	Canta
دندان	Carca
ردیف دندان ها	Carcanë
ردیف میخ ها / خوشه ها یا دندان ها	Carcaras, carcarassë
دهان	Carpa

معنی فارسی	الفی
دست چپ	Hyarma
چپ دست	Hyarmaitë
ظاهر، نمود، سیما، ظهور	Ilcë
گوش	Lár-
سایه	Laimë
زبان، زبانه	Lamba
زبان، صحبت کردن با زبان	Lambina
گلو	lanco: (lancu- , pl. lanqui)
غرق	Lanwë (lanwi-)
کلاه گیس	Lappa-
گوش های تیز	Lastalaica-
انگشت چهارم	Lepecan
انگشت میانی	Lepenel
انگشت چهارم	Lepentë
انگشت	Leper
انگشت اول یا راهنما	Lepetas

معنی فارسی	الفی
مرگ، در حال مرگ	Firië
تنفس، پوف کردن نفس	Foa
دست راست	Forma
خواب	Fúmë
پوست	Helma
چشم	hen (hend-)
پرده روی چشم، صفحه چشم، پلک	Henfanwa
چشم، بررسی کردن با چشم، چک کردن برای خواندن ( آرام و بی صدا)	Henta-
ذرات، روده ها	hir (hird-)
گوش	hlas (hlar-)
بیماری	Hlívë
گوشت	Hrávë
بدن	Hroa
اشارات و حرکات در هنگام سخن گفتن	Hwerinë



معنی فارسی	الفی
چرت، خواب سبک	Murmë
شخص، فرد، یک نفر	Námo
یک حالت دوگانه انگشت شست و سبابه در حالت یک جفت	Nápat
انگشت شست	Nápo
دهان، مدخل، غنچه	Náva
اشاره با دهان = حرف زدن بی صدا	náva-tengwë
درد وحشتناک	Naicë
درد وحشتناک	Naicelë
چنگال، پنجه، ناخن	Namma
فک، آرواره، وراجی	Nangwa
پنجه و چنگال، ناخن	Nappa
عقده، غده، چیز سفت و برجسته	Narda
دندان	Nelcë
دندان	Nelet
بینی، نوک برآمده ی چیزی	nengwë (nengwi-)

معنی فارسی	الفی
انگشت کوچک	Lepinca
انگشت کوچک	Lepincë
انگشت	Lepsë
بدن مرده، لاشه	Loico
دست	Má
سلامت کامل	Málë
مچ دست	Málimë (málimi-)
روحي که نزد والار یا اروماني رفته باشد	Mánë
زبان دست ها	Mátengwië
روح عازم شده	Manu
دست کامل؛ تمام دست با پنج انگشت	Maqua
خون، خون لخته شده	Mëar
تجسم، صورت خارجی مجسم شده ی چیزی	Mirroanwi
شکم، رحم	Móna
پوزه، دماغ، دماغه	Mundo

معنی فارسی	الفی
زانو	Occa
جاودانی	Oia
لب	Pé
لب	Pempë
بیماری، انزجار	Quámë
جسد	quelet (quelets-)
رنگ پریده	Quelië
دست، بازو	Ranco (rancu-) جمع: (ranqui)
ذهن	Sáma
ذهن	Sanar
خون	Sercë
موج، فر مو، خیزاب	Solmë
دهان، به معنی حفره داخلی پشت دندان ها، حاوی زبان	Songa
انگشت سبابه	Tassa
پنجه، شست پا	taltil (taltill-, pl. taltilli)

معنی فارسی	الفی
به عنوان اسم ورزشی انگشت چهارم یا انگشت شصت چهارم هم استفاده می شود	nettë (netti-)
انگشت کوچک	Nícë
اشک (یا پارگی)	Nírë
اشک	Nië
ضجه	Noi
خال، خال سیاه گوشتی	Noldarë
خال، خال سیاه گوشتی	Nolpa
دست، دست خط، پهلوی، پنجه	Nonda
زیر هدف، اصطلاحی در بازی بچه ها برای انگشت پا (نقطه ی مقابل اورتیل)	nútil (nútill-)
مرگ	nuru, Nuru
اندوه، رنج	Nyérë
عمیقی، تاریکی پایین قرنیه	Nyelecca
ناخن	Nyelet nyelexi
گریان	Nyenyë
دهان	Ópa

معنی فارسی	الفی
اصطلاحی مورد استفاده در بازی بچه ها برای انگشت وسط یا انگشت وسط پا	Tolyo
قوز، کوهان	tumpo (tumpu-)
بلند، قهبلند، اغراق آمیز	Tunda
ماهیچه، رگ و پی، قدرت و نیرومندی، نیروی فیزیکی	Tuo
طعم، چشایی، سلیقه	Tyávě
سلسله صداهای دهانی	Tyelpetéma
بخار، بخار دهان	Usquë
چانه، آرواره، زنگدان	Venta
بلوند، موطلایی	Waina, vaina
گردن، گردنه	yat (yaht-)
خون	Yór

معنی فارسی	الفی
انگشت (شست) بزرگ پا	Taltol
کف پا	tallunë (talluni-)
ناخن، چنگال، چنگ، گل میخ	Taxë
نوک، سر، برای اشاره به انگشتان یا انگشتان پا استفاده می شود	Tillë
پیشانی، جبین	Timbarë
ران	Tiuco
نقطه، لکه، خال، نشان ریز	Tixë
پشم، کرک، مو	Tó
چخماق تفنگ، پرنده نر، الت ذکور	Tocot
انگشت بزرگ پا، کوتوله، ریشه	Tolbo
اصطلاحی مورد استفاده در بازی بچه ها برای انگشت وسط یا انگشت وسط پا	Tollo
انگشت بزرگ پا، کوتوله، ریشه	Tolvo

## فصل نهم

### ترانه ها، اصوات و سرگذشت ها

---

داستان ها در رشته افسانه سینه به سینه و معمولا در قالب ترانه نقل می شوند. همچنین تلفظات و آوای مختلفی که تالکین برای زبان کوئینیا در نظر گرفته، در این بخش ذکر شده است.

معنی فارسی	الفی
زبان (آنچه که به صحبت کردن مربوط میشود نه عضو بدن)	Lambë
زبان (آنچه که برای صحبت کردن است نه عضو بدن)	Lambelë
همخوان، هم آهنگ	Lambetengwë
زبان، صحبت کردن با زبان	Lambina
صدا	Lamma
با صدای موسیقی از برگهای سقوط	lantalasselingëa-
استماع، گوش دادن	lasta-
زیبا، برای زیبا نشان دادن صدایی بکار می رود	Linda
ترانه، نغمه	Lírë(líri)
صدای موسیقی، ملودی	lin, lind:
موسیقی	Lindalë
خوانندگان	Lindar
آواز خواندن، صدا، تن صدا	Lindë
موسیقی	Lindelë
موسیقی دان، سراینده	Lindimaitar

معنی فارسی	الفی
به راحتی شنیدن	Asalastë
نقل کردن	Avanyárima
قابل گفتن نیست	Avaquétima
سیستم بیان، زبان کاملاً سازماندهی شده	Carpasë
زبان الدار	Elda-lambë
تاریخ الف ها	Eldanyárë
اسمی دیگر از کوئینا	Eldaquet
نه، پاسخ منفی - صوت نارضایتی و مخالفت	Fó
صدا - اختلال	Hlón-
صدا	Hlóna-
مصوت	hlonitë-
صدای زمزمه	hlussë-
صدای شیپور	Hyóla
صدا، اکو	Láma
انعکاس صدا، اکو	Lámina
شعر	Lairë

معنی فارسی	الفی
قصه گو / سراینده ی nyarnar یا داستان های بلند حماسی	Nyarnamaita
صدا	Óma
صدا دار	óma-tengwë
صدا دار	Ómëa
گفتار، زبان	Pahta
کتاب فانتزی	Parma-resta
کتاب زبان ها	Parmalambë
همخوان، هم آهنگ	Pataca
صدا دار، صوتی	Penna
افسانه	Quenta
جمله	Quentelë
سخن	Quenya
کلمه	Quetta
زبان، گفتن	Quetil

معنی فارسی	الفی
خواننده، خواندن پرندگان	Lindo
صدای موسیقی	Lingë
سرود روحانی	lirilla
شعر	Lirit
نی، الت موسیقی، جگن	Liscë
نجوای صدا	Lussë
زبان نولدور که توسط مورگوت مورد سو استفاده قرار گرفت	Mólanoldorin
همخوان، حرف صامت	Návëa
چنگ، غریال، الک، سرنند	Nandë
چنگ زنان	Nandelë
تاریخ نولدویی	Noldo- quentasta (Ñoldo-)
سقوط نولدور (اسم یک ترانه)	Noldolantë
قصه، افسانه، حکایت، تاریخ، حماسه	Nyárë
قصه، حماسه	Nyarna

معنی فارسی	الفی
الفبا	Tengwanda
علامت، نشانه	Tengwë
زبان	Tengwelë
زبان، سیستم یا کد رمز	Tengwesta
زبان به صورت چکیده یا نمود	Tengwestië
صدای تو دماغی، صدای زه	Tinge
صدای نه	Ui
صوتی تاکیدی به معنی نه؟	Uito
صوتی تاکیدی به معنی نه؟	Uito
ریختن، جاری شدن، طغیان	Úlëa
تاریخ والار	Valaquenta
زندگی نامه	Vehtequentalë

معنی فارسی	الفی
فریاد	Rambë
خش، اختلال، صدا، پارازیت	ran (ram-)
چنگ، موسیقی	Salma
فلوت	Simpetar
فلوت	Smpina
صدای زه، صدای تو دماغی	Tango
چنگ (غریال)	Tanta
چنگ (غریال)	Tantila
ردیف، سری، خط	Téma
نشانه، اثر به خصوص برای حروف صدا دار قابل تشخیص در نوشتار فئانوری	Tehta
نامه، کاغذ، حرف	Tengwa

## فصل دهم

### حرف اضافه ها



معنی فارسی	الفی
در میان	Arta
با	As
لفظ نه گفتن	Àva_Áva
پشت عقب، پشت یک محل	Ca. Cata. Cana
چهار	Can-
پشت، پشت چیزی	Cana
عقب، پشت چیزی	Cata
می تواند خرده حرف باشد	cé, ce
اگر این آن باشد	Cenai
ببین! اینک! هان!	: Ela!
اونجا، ببین!	En
به جز، به جز این که	Enel
بعلاوه، از این گذشته	Entë
قبل	Epë
بی اندازه	Han

معنی فارسی	الفی
حرف امری	a , á
حرف ندا	A
حرف ربط، نوع دیگری از "ar"	A
حرف ندا، آه، افسوس، دریغا، آوخ	ai!
سلام و درود، نوع دیگر "aiya"	Aia
حرف ندا، درود	Aiya
ندا	Alla
به	Ana
و هنوز، اما هنوز	Ananta
بعد از	Apa
روی	Apa
اما	Apa
با	Ar
و	Ar
و	Arë

معنی فارسی	الفی
بر ضد	lanna-
با	Lé
پایان دادن به اسم های تشکیل	lë -
پایان جمع وابسته به جزء	Línen
پایان دادن به جمع به جزء، حالت ملکی	Líva
پایان دادن برای صیغه جمع و مفعول به و وابسته به جزء	-lillo-lillon
پسوندی برای صیغه جمع و حالت مفعولی	-lin
پایان دادن به جمع وابسته	-Linna (-linnar)
مفعول به برای پایان دادن از چیزی یا خارج از	Llo-
پایان دادن به جمع وابسته به جز حالت اضافه، مالکیت	-Lion
از، با	Ló(lo)
پایان دادن به جمع وابسته به جزء، دال بر مکان	Lissë(lissen)
شناسه پایانی دوتایی کاهنده	-Lto

معنی فارسی	الفی
به جز، به غیر	hequa-
از	ho-
چیز دیگر	Hya
چه زمانی، زمانی که	Írë
شکل رسمی the	I
آن	I
در نتیجه	Ier
بین، میان	Imbë
میان، در زمره	Imíca
داخل، توی، در مدت	Imi
که	Ita
بی اندازه، در عبارات مقایسه ای هم استفاده می شود	Lá
نه (منفی)	La
نفی در واقع نه، برعکس	lau-
نفی در واقع نه، برعکس	laumë < lá umë-

معنی فارسی	الفی
درون، داخل، به سوی	Mina
در میان، از جمله	Mici
درون، داخل، در حدود	Mil
درون، داخل، به سوی	Minna
داخل و دورن	Minta
میان، در بین	mitta-
داخل رونده	Mitta
هیچ چیز، ابد	Munta
اما، برعکس، برخلاف، از طرفی	Ná
بدرود	Namárië
آمین، باشد که	Násië
کلمه ای تأکیدی برای بله؟	Náto
اما، مگر	Nan
بدون، -کمتر	nec-
زیر، ناملموس	Ní
به من، برای من	Ni

معنی فارسی	الفی
حرف ندا / خداحافظی کوتاه به سمت آنچه که خوب است	Márienna
ادات استفهام کی؟ چه وقتی؟	má?
ادات استفهام چه چیزی؟	ma?
خب	mai-
کلمه ی استفهامی چه نوعی؟	maitë?
اما	Mal
چه وقتی؟	malumë?
مادر، مرد مومیایی، کلمه ی استفهام چه کسی ماناست؟	Mamil
چطور؟	Manen
کجا؟ چه مکانی؟	manomë?
کجا؟ به کجا؟	mar?
کجا؟ به کجا؟	mara?
کجا؟	mas?
اول شخص جمع، منحصر برای ما، به ما	Me
درون، داخل، در حدود	Mi

معنی فارسی	الفی
اشاره به برخورد سطحی	Pá(pa)
اه (به خاطر وحشت، درد یا نفرت) (حرف صدا دار)	Orro
قبل	Po(pó)
قدرت	Poldorë
قبل	Pono
اگر	Qui
اصطلاحی که ممکن است به یک حرف تنگوا وصل شود و به s تابع اشاره کند	Sa-rincë
در نتیجه	Sívë
آن، برای آن که	Sana
این	Sina
پا / جمع tálí	tál (tal-), tala
و	Ta
پس یا در نتیجه (اشاره ای به چیزی کم: تضاد با)	tambë )sívë
آن	Tana

معنی فارسی	الفی
داوطلب از	Nin
مال من	Ninya
اما، ولی	Nó
قبل (از زمانی)، در عقب (در روابط فضایی)	Nó
زیر، تحت	No
زیر	Nu
انحصاری (ضمیر، حرف اضافه)	Ómë
و	O
حالت مضاف الیه پایانی	O
گذشتن	Ollo
نشانه جمع بستن پایانی برای جنسیت	on-
اما	Onë
اما	Ono
قبل از، در جلوی (از نظر فضایی)، بعد از	Opo
روی	Or

معنی فارسی	الفی
پسوند مضافی	va-
ضمیر اول شخص، ما	Ve
ضمیر اول شخص، ما	Vi
خود، خودم، خودشان	xë-
کدام، که	Ya
صفت، واژگ / قبلا، سابق	Yá
ضمیر مفعولی "برای / به کدام" یا "برای / برای چه کسی"	Yan
ضمیر اشاره / آن (سابق و گذشته)	Yana
معادل که، که این	Yassë
چه کسی، کسی، گاهها به معنی به کسی	ye (plural i).
از چه کسی	yë-
از چه کسی	Yello
ضمیر حالت مضاف الیه / از چه کسی	Yëo

معنی فارسی	الفی
تا وقتی که، تا زمانی که، تا حدود	tenna
از طریق، سرتاسر	ter, terë,
حرف صدا دار، صدا	Tomba
حرف صدا دار، صدا	Tompë
پایانی برای زمان آینده	uva-
یا	Var
شبیه	Ve
معادل "روزی روزگاری"	Yalúmessë
معادل "روزی روزگاری"	Yáressë
حرف ندا / هان! بنگر!	Yé
چیزی بیشتر، چه چیزی بیشتر؟	Yé
چیزی بیشتر، چه چیزی بیشتر؟	Yëa
با	Yo
از	Va

## فصل یازدهم

### حیوانات

---

این کلمات شامل اسامی حیوانات فانتزی و غیرفانتزی در استان های تالکین می باشد

معنی فارسی	الفی
حیوانات وحشی	Hravan
سگ شکاری	Hú
سگ شکاری	Huan (hún-)
سگ	Huo
غرش اژدها	Fëalócë
پرنده کوچک	Filit (filić-)
حیوان	Kelva
حیوان (معمولا برای حیوانات چهارپا استفاده میشود و هیچ وقت برای خزندگان یا پرندگان استفاده نمی شود)	laman (lamn- or laman-)
تار عنکبوت	Lanat
خرگوش	lapattë-
رمه	Lámárë
مار	Leuca
نخ نرم، تار عنکبوت	Lia
عنکبوت	Liantë
ماهی	Lingwë(lingwi)

معنی فارسی	الفی
چکاوک	aimenal / aimenel
پرنده کوچک	Aiwë
پرنده زرد	Ambalë
پرنده زرد	Ammalë
فیل	Andamunda
جمع angwi، مار	Ango (angu-)
اژدها	Angulócë
حیوان، جانداري که حرکت کند	Celva
گونه ای از پرنده های کوچک	Cirincë
کلاغ	Corco
فاخته	Cua
فاخته	Cucua
ماهی (کوچک)	Hala
شاه ماهی گیر ها	halatir: (halatirn-)
تار عنکبوت	hlínë-

معنی فارسی	الفی
موش، موش صحرايي، آدم موش صفت، وطن فروش	Nyano
بز ماده	Nyeni
گرگينه	Nauro
زوزه ي گرگي	Naulë
اسب	Olombo
حشره ي کوچک	Pí
پنجه	Pirë
خوک	Polca
مرغ	Porocë
قورباغه	Pquácë
کلاغ	Quáco
شير	rá (ráv-)
گرگ	Ráca
بال	Ráma
بال های اژدها	Rámalócë

معنی فارسی	الفی
ماهی اژدها، مار بزرگ دریایی	Lingwilócë
اژدها، مار	Lócë
گوسفند، آدم ساده	Máma
گرهه	Mëoi
ناله کنان، میومیو کنان	Miulë
گوسفند یا آغل گوسفند	moalin (moalind-)
خرس	Morco
بلبل	Morilindë
حيوان (يا گاو) نر بزرگ	Mundo
نیش، گاز، گزش	Nahta
گرگ	Narmo
تار، تور، تار عنکبوت	Natsë
زنبور عسل	Nier
کندو	Nierwes
زنبور	Nion



معنی فارسی	الفی
صدای خرخر اسب هنگام دم زدن	Rávë
شیر ماده	Ravennë
سگ	Roa
اسب	Rocco
سگ شکاری برای تعقیب کردن	Ronya
جمع rusqui روباه	rusco (ruscu-)
عقاب، شاهین	sorno (p)
عقاب، شاهین	soron (or sornë) (p)
دارکوب، دندان دار	Tambaro
پرستو، چلچله	Tuilindo
تارهای عنکبوت، اسمی از تنگوا	Ungwë
اژدهای آتشین	Urulóccë
پروانه	wilwarin (wilwarind-)
مثل ویلوارین یا پروانه	wilwarindëa
گربه	Yaulë
گاو شیرده	Yaxë

## فصل دوازدهم

### خانواده و نسبت اعضا

---

کلماتی که شامل اعضای خانواده و نسبت افراد مختلف با یکدیگر است

معنی فارسی	الفی
مادر	Mamil
خواهر	nésa (p)
دختر، فرزند دختر، خواهر	nettë (netti-)
قبیله، طلیفه، قوم، خانواده، خاندان، خویشاوند	nossë
والدین	nostar nostaro (pl. nostari)
دوقلو ها	Ónoni
برادر	Onóro
یکی از دوقلو ها	Onóna
خواهر	Onónë
خواهر	Onórë
والدین، پدر یا مادر	Ontar
ontani ( سرپرست چه مرد و چه زن	ontaro, ontarë
پدران، سرپرستان مرد	Ontari
مادر، سرپرست زن	Ontarië
مادر، سرپرست زن	Ontaril

معنی فارسی	الفی
مادر	Amal
مادر	Amil
مادر	Ammë
مادرم، در مواقع معرفی استفاده میشود	Amya
دختر (مالکیتی)	Anel
فرزند پسر	Anon
مادر	Emel
مامان	Emenya
مادر	Emil
مامان	Emmë
مامانی	Emya
برادر	háno
برادر	Hanno
تازه عروس، همسر (زن)	Indis
نوه، اولاد	Indyo

معنی فارسی	الفی
فرزند دختر	yen, yendë
فرزند پسر	Yón
فرزند پسر	Yondo
پسر بزرگ، فرزند پسر	Yonyo

معنی فارسی	الفی
پدر، سرپرست مرد	Ontaro
کودک	Onwë
کودک من، پسر من	Onya
خواهر، زن وابسته	osellë (b)
برادری	Otornassë
برادر، برادر قسم خورده، وابسته (مرد)	Otorno
خواهر	Seler
برادر، همزاد، دوتایی	Tanta
بابایی، باباجان	Taryo
پدرم یا باباجانم	Tatanya
شوهر	Venno
همسر، زن	Very
شوهر	Veru
همسر (زن)	Vessë

## فصل سیزدهم

### درختان و گیاهان

---

کلماتی که شامل انواع گیاهان، درخت ها و رستنی های دنیای تالکین است

معنی فارسی	الفی
سوسن یا زنبق آبی زرد	Énu
برگ درختان، شاخ و برگ	Farnë
ریشه	Fas (fats-fatsë)
چوب سرخ، چوب جنگلی، درخت چنار	Feren (fern-)
چوبی سرخ، چوبه درخت سرخ	Ferinya
درخت چنار	Fernë(ferni)
خشخاش، کوکنار	fúmella
خشخاش، کوکنار	Fúmellot
گل بنفشه، گیاه بنفش رنگ	Helin
یک گونه از گل های بنفشه با گل های زرد و بنفش	Helinyetillë
اسفنج، قارچ	Hwan (hwand-)
درخت غان	Hwindë
زنبه (سوسن سفید) یا شاخه گلی بزرگتر	Indil
کاشتن	Laima
گیاه، سبزی	Laiquë

معنی فارسی	الفی
درخت آلو، درخت گیلاس	Aipio
سرزمین تعدادی از الم ها (ادرخت بلندی که در سراسر مناطق شمالی رشد میکند)	Alalbinóre
الم، درخت الم	Alalmë
درخت	Alda
درخت غامص	Aldalembina
بالای درخت	Aldinga
درختان کوچه باغ	Aldëon
نیکوتین، برگ چپق	Alenessë, alanessë
گل	Alma
قیام، گل	Ambalostsë
نارون قرمز	Alvë
گیاهی شفا بخش که در زبان سیندار به نام اتلس خوانده میشود	Asëa
درخت پرتقال	Culumalda
اسم Laurelin دیگر	Culúrien
نارون قرمز	Elm

معنی فارسی	الفی
خوشه، دسته	Loxë
جنگل، زمین جنگلی	nan (nand-)
درخت راش، ممرز، الش	Neldor
بلوط، ران	Nordo
بلوط، ران	Norno
برگ درختان	Olassië
شاخه	Olba
شکوفه	Olótë
کاشتن	Olva
شاخه	Olwa
شاخه، عصا، چوب	olwen (olwenn-)
دانه	orë (ori-)
درخت	Ornë
میوه گل سرخ	Oswë
گل هایی که با آمدن روز و شب باز و بسته میشوند	Pirindë

معنی فارسی	الفی
درخت نارون قرمز	Lalmë
برگ	lassë-
برگی شکل	lassecantä -
برگ پاییزی = پاییز	lasselanta-
نام درخت طلایی والینور	Laurelin -
نوعی از درخت	lavaralda -
لبثرون، چوبی سخت از درختی که در گوندور میروید	Lepetta
درخت مو	Liantassë
گل سنبل، علف	Linquë
گل، شکوفایی، دسته گل	lós (p)
گل، بیشتر برای گل های تک شاخه بزرگ به کار می رود	Lótë
شکوفه	Löar
شکوفه	Lossë
گل کوچک تک(یک عدد)	Lotsë
گل معمولا کوچک	Lottë

معنی فارسی	الفی
درخت بزرگ	Táva
اسم درخت	Taniquelassë
درخت بزرگ	Taulë
چوب، درخت، بیشه	Tavar
بیشه، جنگل (بزرگ)	Taurë
جنگل، زمین جنگلی	Tavas
درخت بید	tasar, tasarë (p)
پوشیده از جنگل یا درخت	Taurëa
بوته، شاخه و برگ	Tussah
درخت صنوبر، درخت سپیدار	Tyulussë
گیاه خزنده و بلند به خصوص جلبک و خزہ دریایی	Uilë

معنی فارسی	الفی
گل هایی که با آمدن روز و شب باز و بسته میشوند	Pirnë
تمشک سیاه	Piucca
سبزیجات	Quëa
تاج گل	Ría
تاج گل	Rië
تاج گل دوشیزه	riel (riell-)
علف، سبزه	Salquë
علف خشک شده	Sara
نام دو درخت در والینور، تلپریون، درخت سفید	Silpion
ساقه، پایه و تنه، میله	Sirpë
ریشه ی خوراکی	Sulca



## فصل چهاردهم

### رنگ ها

---

کلماتی که شامل رنگ های اصلی و رنگ های ترکیبی یا صفت ها واستعاره های مربوط به رنگ هاست.

معنی فارسی	الفی
طلائی - اما مانند طلائی	laurëa-
سفید برفی	Lossë
سفید برفی	Lossëa
آبی	Luinë
مایل به آبی	luinincë (luininci-)
زرد ، (ترسو)	malina
زرد کم رنگ، بی نور، رنگ و رو رفته	malwa
زرد کم رنگ، حنایی، رنگ پریده	marya
خاکستری، بی رنگ	Mista
قرمز آتشین	Narwa
سفید، سرد و رنگ پریده	Ninquë
سفیدی	Ninquissë
رنگ، نما	Quilë
خاکستری	sindië (p)
درخشان، نقره ای	Tinda

معنی فارسی	الفی
سرخ، گلگون	Aira
قرمز، قرمز مایل با زرد	Carnë
سرخ طلائی	Culina
نارنجی	Culuina
سفید	Fána,fánë
آبی کم رنگ	Helwa
خاکستری	hiswa (p)-
تاریک، قهوه ی تاریک، برای رنگ بندی مو استفاده میشود	Hróva
آبی کم رنگ	Ilin
سبز	Laica
سبز مانند برگ، نور، سبز_برگ	Laicalassë
سبز درختی	Laicolassë
سبز	Laiqua
طلائی	laurië-
طلا، اما از نور طلائی و رنگ، نه از فلز	laurë -

معنی فارسی	الفی
آبی، نیلی، غمگین	Ninwa
قرمز رنگ، گلگون	Roina
نقره، روشنایی درخشان	Silma
خاکستری	Sinda
خاکستری، کبود یا نقره ای خاکستری	sindë (p)
قهوه ای، تیره، قهوه ای تیره	varnë (varni-)

## فصل پانزدهم

### صفت ها

معنی فارسی	الفی
الکورین	Alcorin
خوب، عادلانه	Alima
مقدس، خجسته	Almárëa
بزرگ، عظیم	Alta
خوب، عادلانه	Alya-
و، زیاد	Amba
روشنایی، درخشنده تر	Ancalima
طول	Anda
آهنی	Angaina
ملال آور	Angayanda
واقعی، در واقع، حقیقت	Anwa
تنگی، محدود	Arca
صبح در احساسات وصفی	Arinya
باشکوه	Arquen
بهترین بودن در مقایسه کردن استفاده میشود	Arya

معنی فارسی	الفی
خم، مایل	Acúna
کهنه، همچنین نامی از تنگوار #۱۱	Aha
تعداد زیاد	Ahosta
مقدس	Aina
آمزیده، رستگار، مقدس	Ainima
تند	Aiqua
مقدس	Aira
مقدس	Airë
مقدس، متعالی	Airëa
مقدس، متعالی	Aista
برکت دادن، دعا کردن، خوشبخت کردن، مبارک کردن	Aista
دست نخورده	Alahasta
خوب، خوش	Alaquentia
تابان، باشکوه	Alcarinqua

معنی فارسی	الفی
مجدد، تازه	Ceurë
کوچک	Cinta
بیدار	Coiva
لکه / کره کوچک / گردی	Corna
خمیده / کج	Cúna
خالی	Cumna
دور، جزعی، بعید	Eccaira
تیز	Ecya
الدارین، الداریس الفی	Eldarin
درخشان	Elenya
وسطی	Endëa
اواسط، متمرکز	Endya(Enya)
مرکز، میانه	Enetya
میان	Enya(Endya)
یکی، تنها	Erëa

معنی فارسی	الفی
مفید، کمک کننده	Asëa
دوستوان	Ataformaitë
بیشمار	Avanótë
غدغن شده، رد شده	Avanwa
درخشیدن	Cal-
وضوح، درخشندگی	Calassë
درخشان، روشن	Calima
هم خانواده ی درخشان، روشن	Calina
زیبا	Calwa
روشن کردن، منور کردن	Calya
تجسم یافته	Canta
کج، خم	Cauca
تازه، جدید	Céva
نماین، مرئی	Cenima
مجدد، تازه	Ceura

معنی فارسی	الفی
پنهان، مخفی، پوشیده، درسایه، مبهم	Halda
بلند	Halla
جست زدن	Haloitë
کلان	Haura
باهوش	Handassë
دانایی، باهوش، با درک	Handë
اصلی-عمده	héra-
یخی، سرمای زیاد	Helca
پیوسته، چسپیده	himba-
زهر آلود	hloirëa-
تحریک کننده	hórëa-
بزرگ	hoa(höa)-
دشواری، سختی	hraia-
به سختی دیدن	Hraicénima
تار یا به سختی تشخیص دادن	Hraicenë

معنی فارسی	الفی
تنهایی، مجرد، گوشه نشین	Eressëa
تنها	Erinquä
منحصر به فرد، تنها، یگانه	Erya
برجسته، بالا	Eteminya
متفاوت	Exa
نبستا	Fárëa
درخشندگی، تشعشع	Fairë
آماده بدست، در دسترس بودن سریع	Férima
آماده بدست، در دسترس بودن سریع	Ferina
مو دار، چیز مویی	Finda
خوب و لطیف ساخته شده	Finda
راز آلود	Fólima
بسیار	Haiya
یخ زده	Halcin

معنی فارسی	الفی
سریع، تند	larca-
باز، آزاد، پاکسازی (از زمین)	latin, latina-
حلبی	latucenda-
گرم	lauca-
خیلی تیره، مملو از تاریکی	Lilómëa
بسیاری	Limbë
خیس	Linquë
تاریک	Lómëa
خم، خمیدگی، از کارافتادن	Locin
نقص، در صورت کوتاهی از، کوتاه	Loica
راز	Lomba
تاریخی	Lúmequentialëa
تیره، تاریک	Lúrëa
تاریک	Lumba
سنگین	Lunga
تهی، باطل	Lusta

معنی فارسی	الفی
تیره	Huiva
پنهان، پنهان شده	Hurin
نادرست، نارس	Hwarin
دیگری	Hyana
روزانه، روزمره	Ilaurëa
همه جانبه، قادر مطلق	Iluväla
پسوند توصیفی	-ima
همان، یکسان، درست همان	Imya
اول، مقدماتی	Inga
پسوند وصفی	inqua-
چشمک یا برق زدن، درخشیدن، تاباندن	Itila
باز	láta -
سایه دار، مرموز	Laira
عریض	Landa
در محدوده، مشروط محدود	lanwa-



معنی فارسی	الفی
کوچک، کم، خرد، پست	Mintë
نخست، مقدماتی	Minya
گران بها، عزیز، ارزشمند	Mirwa
کوچک، کم، محقر	Mitra
کوچک، کم، محقر	Mitsa
داخل، دور از مرز	Mitya
مرطوب، خیس، اشک بار یا بارانی	Mixa
نرم، لطیف، ظریف	Moica
سیاه، تیره و تار	More
تاریک، سیاه یا تیره	Morna
راز، پنهانی، غایب	Muina
نرم و لطیف، نازک، شیرین، ملایم	Mussë
دردناک تلخ	Naica
دردناک	Naicelëa
وحشتناک، مهیب، موحش، طاقت فرسا	Naira
درست، حقیقی، راستگو	Naitë

معنی فارسی	الفی
متبرک، خوشبخت	Mána
کاربردی، مناسب، خوب (از اشیا)	Mára
تیز، پر سر و صدا	Maica
تحسین برانگیز، باشکوه و والا، چیزی بزرگ و زرق و برق دار	Maira
متبرک، خوشبخت	Manaitë
متبرک، خوشبخت	Manaquenta
متبرک، خوشبخت	Manna
متبرک، خوشبخت	manquë, manquenta a
آماده، مهیا، موجود	Manwa
نرم و لطیف، انعطاف پذیر	Maxa
اخیر، آخرین	Métima
شادی، جشنی	Merya
بسیار با ارزش و قیمتی، محبوب و دوست داشتنی، فوق العاده	Mírima
نرم، سست، لطیف، ظریف	Milya
برجسته، آشکار	Minda

معنی فارسی	الفی
بلند و باریک	Nindë
کوچک، نازک و ظریف	Nitya
قابل شمارش	Nótima
سفت و سخت، پرمایه	Norna
ناگوار، ترسناک	Norta
عمیق	Núra
تیره، تاریک، مبهم، مخفی	Nulla
خمیده، خم شده	Numba
وارونه، نقض شده، پشت و رو	Nuquerna
محرمانه	Oholima
پایان ناپذیر، ابدی، بینهایت	Oiala
ابدی	Oialëa
ابدی	Oira
رویایی	Olórëa
رویایی	Olosta

معنی فارسی	الفی
دره که به عنوان صفت استفاده می شود	Nalda
موجود، حقیقی، راستی	Nanwa
آزار دهنده، خشن، دریده شده	Naraca
مانده، کوتاه	Nauca
رنگ پریده، کم نور، مبهم، مبهم برای دیدن	néca
خیس، بارانی، مرطوب، اشکی	Néna
خیس، آبدار، آبکی	Nenda
وابسته و مربوط به بینی	Nengwëa
خیس، بارانی، مرطوب، اشکی	Nenya
کوچک (در معنای مثبت)	Níca
کوچک، نازک و شکننده	Nipa
معطر	Nísima
مرطوب، تر، شبنم دار	nítë (níti-)
کوچک، نازک و شکننده	nimpë (nimpi-)
کوچک، ظریف	nincë (ninci-)

معنی فارسی	الفی
پُر	Quanta
کاکل دار	Quinna
بال دار	Rámavoitë
اشتباه، نادرست، کج	Raicë
کج، قوس دار	Rempa
بی شمار	Rimba
دایره وار	Rinda
سرد	Ringa
سرد	Ringë
شرقی	Rómenya
وحشتناک	Rúcima
گیج شده، دُخرد شده، ویران شده، بی نظم شده	Rúcina
آتشین، مشتعل	Ruina
صاف، صیقلی	Runda
جادویی	Sairina

معنی فارسی	الفی
زیاد	Olya
بلند	Orna
مشابه، شبیه	Ovéa
بسته، خصوصی	Pahta
پهن، توسعه یافته	Palla
باز	Panta
خشک	Parca
صیقلی، صاف	Pasta
تا لبه پر کردن	Penquanta(peñ)
عدم، نداشتن، کسری، ناکافی	Penya
کوچک	Pia
کوچک	Pitya
تمیز، خالص	Poica
بزرگ	Polda
تمام، همه	Quanda

معنی فارسی	الفی
شق و رق، چوبی	Tauca
کشیده، طویل، تعمیم داده شده، متسع، دراز	taina
از این نمونه، مثل	Taitë
پرداخت شده	Talaitë
سرازیر شده، کج، یک ور، مایل، منحرف	Talta
مصنوعی، ساختگی، بدلی	Tamna
ثابت، معین، استوار	Tanca
ممنوع	Tapta
شاخدار، شیپوردار	Tarucca
خشن، محکم، سفت و سخت، شق و رق	Tarya
شق و رق، چوبی	Tauca
از چوب، چوبی	Taurine
مستقیم، راست	Téna
آخری، نهایی	Telda
از نقره	Telemnna

معنی فارسی	الفی
شکاف، ترک	Sanca
معمولی، عادی	Sanya
سخت	Sarda
از سنگ	Sarna
معمولا	Senwa
اثبات کننده، شرح دهنده	Sína
جریان، مایع	Sírima
از این نوع	Sítë
اطمینان داشتن	Sincahonda
کوتاه، کوچک، مختصر	sinta (p)
شناخته شده، مشخص، معین	Sinwa
تازه، نو	Sinya
متالی، عقبی	Sóra
از چوب، چوبی	Taurine
شاخدار، شیپوردار	Tarucca

معنی فارسی	الفی
غیر قابل پنهان، نمایان	Úfantima
شفاف و واضح	Úfanwa
آشکار، غیر قابل پنهان	Úfanwëa
ناکافی، کم تر از حد لازم	Ufárëa
شر و شیطانی، بد، غلط	Ulca
وافر، بسیار	Úmëa
شمارش نشده	únotë, únotëa
غیر قابل شمارش، غیر قابل محاسبه	Únótima
تهی، خالی	Unqua
تهی، تو خالی، نامی از تنگوا	Unquë
غیر قابل بازگویی، غیر قابل برشماری	Únyárima
کار یا عمل سخت	Urcárima
کار یا عمل سخت	Urcarnë
سخت، دشوار، پر زحمت	Urda
داغ مشتعل	Úrin

معنی فارسی	الفی
از نقره	Telepsa
پسین، آخرین	Tella
از نقره	Telpina
از درون، از سراسر	Tercenya
نازک، ریز، برنده	Tereva
آخری، نهایی	Telda
بلند و باریک، ضعیف، قلمی	teren, terenë
درخشان، نقره ای	Tinda
کوچک، ریز	Titta
ضخیم، چاق	Tiuca
سخت، زمخت	Torna
آهن سخت	Tornanga
بلند، قدبلند، اغراق آمیز	Tunda
سفت، سخت، تشدید شده	Tunga
چوبی، خشن	Turúva
نهایی، قاطع	Tyelima

معنی فارسی	الفی
آتشین	Uruitë
آتشین	úruva
فراوان	Úvëa
خیلی دور	Vaháya
مهم	Valdëa
لکه دار، چرک و کثیف	Vára
رفیع، عالی	Varanda
وحشی	Verca
تازه، بانشاط، زنده	Virya
مداوم، پایا، ماندگار	Vórëa
مداوم، مکرر	Vorima
تاکید روی حقیقت، تکرار و بازگویی	Vorongandelë
ماندگار، مداوم	Voronwa
خصوصیت پایدار، ماندگار	Voronwië
معمولی، طبیعی	vorosanya (p)
گسترده، عظیم	Yána
فراخ، پهناور	Yanda

## فصل شانزدهم

### ضمایر

معنی فارسی	الفی
ضمیر سوم شخص مفرد برای غیرانسان، خودش	Insa
ضمیر سوم شخص مفرد برای غیرانسان، خودش	Insë
ضمیر سوم شخص جمع، خودشان	Intë
تخیل، تصور، توهم، فانتزی	Intyalë
ضمیر دوم شخص مفرد، خودت/ خودتان	Intyë
ضمیر اول شخص جمع، خودمان	Inwë
ضمیر تاکید من	Inyë
تغییر نظر و حالت	Inwis
حالت ذهنی	Inwisti
ضمیر اضافی متصل جمع، از کسی که، از چه کسی	lon
ضمیری که برای پایان دادن شخص دوم استفاده میشود مؤدبانه تو، تو	-l or -lyë
پسوند ۲ نفر شما	-ldë-

معنی فارسی	الفی
اگر کسی، هرکسی	Aiquen
ما	Elmë
حتی	Elyë
ما	Emmë
دولا، دوتایی، دو واحدی	Esto
خودش، (دیگران)	Hé
آن	I
ضمیر وابسته، مربوط به مفعول	Illon
خودت، خودتان، خودشان	Imlë
خودش، خودشان برای حیوانت و اشیا	Imam
ضمیر بازتابی اول شخص به جز "خودمان"	Immë
ضمیر مفرد بازتابی عمومی برای خود و همان	Immo
من، خودم	Imnë
خودم	Imni
ضمیر دوم شخص جمع، خودتان	Indë



معنی فارسی	الفی
ضمیری تکرار شونده در اسم ها و عناوین، گاهی اوقات با مفهومی اساسی	mo-
ضمیر پسوندی اول شخص مفرد	n-
ضمیر پسوندی اول شخص، مال ما	ngwa-
ضمیر پسوندی اول شخص، ما	ngwē-
ضمیر اول شخص مفرد	Ni
ضمیر پسوندی مضاف الیه سوم شخص جمع	-nta
ضمیر پسوندی آن ها	-ntë
پسوند برای الت دوگانه	-nten
ضمیر پسوندی مضاف الیه سوم شخص جمع	-ntyā
ضمیر پسوندی اول شخص مفرد، حالت مضاف الیه مال من	nya-
ضمیر پسوندی اول شخص مفرد	Nyë
انحصاری (ضمیر، حرف اضافه)	Ómë
هر کسی، کسی، تعدادی (ضمیر غیر قابل شمارش)	O
او (مرد) (ضمیر پایانی)	-Ro

معنی فارسی	الفی
شما	le-
ضمیر پایان دادن به اول شخص صیغه ی جمع، تنها برای {ما}	Lma
ضمیر اول شخص، پایان دادن به صیغه ی جمع منحصر به {ما}	Lmë
صیغه پسوندی مالکیت برای "آنها"	lta (and -- ltya)
صیغه پسوندی "آنها"	ltë-
دوم شخص مفرد رسمی و مودبانه، تو، خودت	-lya
ضمیر پسوندی تو	-lyë
ضمیر دوم شخص مفرد، رسمی و مودبانه ی تو	Lye
چیزی، یک چیز	Ma
ضمیر مفعولی (برای) ما	Men
مال ما	Menya
پسوند دو گانه ی t- در ضمیر ما	Met
مال ما	mma-
ما	mmë-

معنی فارسی	الفی
ضمیر وابسته به سوم شخص مفرد	S
ضمیر وابسته به سوم شخص مفرد	Sa
سوم شخص مفرد، او(مؤنث)، او(مذکر)، مال او، آن	Se
به او	Sena
آن ها، ضمیر پسوندی	t-
آن، آن چیز	Ta
آن ها، به آن ها	Ta
آن چه، چه، آن چه در واقع	Tai
بیشتر برای اشاره به چیزهای بی جان استفاده می شود تا شخص یا چیزهای زنده، آن ها، به آن ها	Tai
در، در اینجا	Tanna
دوم شخص خودمانی / غیررسمی تو	Tye

## فصل هفدهم

پسوند – پیشوند

معنی فارسی	الفی
پیشوند / دشوار است	hrai-
پیشوندی اشاره داشتن به چیز شیطانی	Hru,ru-,hrú-
پسوند جمع فاعلی	-i
پسوند مصدری (یا سالم)	-iē
پسوند مونث در بعضی اسامی خاص مانند یاوین، سیلمارین	-ien
پیشوند / نه، عدم	il-
پسوند دوگانه ی مفعولی	-ilto
پسوند توصیفی	-ima
ضمیر پسوندی دوگانه ی انحصاری اول شخص	-immē
پسوند مفعولی مکان	-in
پسوندی برای صفت مفعولی مجهول	-ina
پسوندی برای جمع	-inen
پسوند وصفی	-inqua

معنی فارسی	الفی
پیشوند منفی کننده (نفی، عدم)	ala-
پیشوندی بزرگ، عظیم	Alat-
پیشوندی بالا	Am-
پیشوندی خوب	Amya-
تشدید (یا) صفت عالی پیشوندی زیاد، خیلی	An
پیشوندی به، به سوی	Ana
پیشوندی بیرون، درکنار	Ar
پیشوندی اصیل	Ara_Ar
پیشوندی انجام دادن مبنی بر اسانی	Asa-
پیشوندی دو	At-
پیشوندی دوباره، بازگشت	Ata-
پیشوند بدون، بیرون	Ava
پیشوند دوباره، باری	En
پسوند بدون، کمتر	-Enca
پیشوند کلامی / دور از	hó-

معنی فارسی	الفی
پیشوند / عقب، وارون	nan-
پسوند فرم اسم ها از اصطلاحات کلامی	-ndë
پسوند دوست	-ndil
پسوند سرزمین	-ndor
پسوند خدمتگذار کسی بودن	-ndur
پسوند سازنده	-nen
پسوند معادل به، در، بالای	-Nna
پسوند برای حالت مفعولی دوگانه	-nt
پسوند برای معادل دوگانه	-nta
پسوند مجهول	-nwa
یک شخصی (پسوند شبه ضمیر)	-o
پیشوندی (دال انجام دادن چیزی خیلی بد	Sau
پسوند مکانی	-ssë
سوم شخص مفرد، پسوند بازتابی	-ssë

معنی فارسی	الفی
نوادگان، پسوند اسم پدری	-ion
پسوند مونث	-issë
پسوند جمع مضاف الیه	-iva (-ivë)
نه، درواقع برای مخالف کردن به کار میروود(منفی)	lá umë laumë:
پایان دادن به اسم های تشکیل که به نظر می رسد به درستی می شود جهانی و انتزاعی است	-lë -
حرف اضافه پیشوند جمع	li-, lin-
پیشوند (زیادی)	Lin
پیشوندی (دال بر انجام دادن اشتباهی	Loi-
پسوند مفعولی	n-
علامت جمع مورد استفاده در بعضی پسوندها	n-
پسوندی که مانند برخی صفت ها مورد استفاده در فرم مجهول مفعولی است	na-
پیشوند / بد، سوء، زشت، خراب	nai-

معنی فارسی	الفی
پیشوند (تملک نداشتن یا نفی چیزی. not, un-, in- در انگلیسی	ú-
پسوند (مقدار زیاد)	úmë-
پیشوند (اشاره به انجام کار بد	us- (p)
کمتر، پست تر (پیشوند)	Valta-
پسوندی برای اشتقاق قید از صفت	-vë
پسوند صفت) کم، کمتر	-viltë
پسوند) در بسیاری از نامهای شخصی اتفاق می افتد (عمومی)	-wë
پسوند) در بسیاری از نامهای شخصی اتفاق می افتد، برای نام های زنانه	-wen
پیشوند (دو-، هر دو، دو گانه	yu- or yú-

معنی فارسی	الفی
پسوند دوگانه ی دوم شخص مالکیت ضمیری: مال تو	-sta
پسوند وقوع در اسم سرزمین های مشخص	-sta
پسوند دوگانه ی دوم شخص ضمیری: تو	-stë
پسوند دوگانه	-t
پسوند دوگانه ی زمانی	-tsë
پسوند دوگانه ی سوم شخص ضمیری: آن ها	-ttë
پسوندی برای مضاف الیه دوگانه	-twa
پسوند شبه ضمیر، دوم شخص مفرد، خودمانی / غیر رسمی تو و برای تو	-tya
پسوند وابسته به ضمیر، دوم شخص خودمانی / غیررسمی تو	-tyë

## فصل هجدهم

### طبیعت

معنی فارسی	الفی
غروب خورشید	Andúna
پرتو از خورشید	Arma
گودال، مکان سرباز، دهان	Assa
گرد و غبار	Asto
راه باریک، دره ی تنگ و عمیق	Axa
نور، روشنایی	Cala
خورشید	Calavénë
خورشید	Calaventë
مجرای آبی	Calpa
زمین، خاک	cén (cem-)
کانال، مجرا	Celma
نهر، گردش، روند	Celumë
رودخانه	Celusindi
جوی کوچک	Celussë
زمین	Cemen

معنی فارسی	الفی
قله	Aicalë
قله ی کوه	Aicassë
دریا	Airë
اقیانوس	Airon
حرکت شدید، پرواز سریع، تند باد	Alaco
الم های زیاد داشتن	Alalvëa
تابشی از نور	Alca
درختانی داشتن	Aldarwa
پرتو	Alta
سنگ شکل گرفته، پرچم	Ambal
بالا پوش به طرف بالا، دامنه ی تپه	Amban
تپه	Ambo
خورشید	Anar
طلوع	Anaròrë
خورشید	Ancalë



معنی فارسی	الفی
مانند ستارگان	ElvëA
مصوب رودخانه	Etsir
ابر	Fána
ساحل ، لب دریا	Fára
خلیج، شکاف	Fásë
ساحل لب دریا، ساحل	Falas (falass,falassë)
حباب های ریز	Fallë
موج های کف الود	Falma
راه کوهستانی	Falqua
ابر(سفید)	Fanya
آسمان (ارتفاعات بالا و بین ابرها)	Fanyarë
غار، معدن، زیرزمین	Felco
غار	Felya
شمالی (یا باد شمالی)	Formenya
شمالی (یا باد شمالی)	Forna

معنی فارسی	الفی
به عنوان اسم برای کمال دادن به ستارگان استفاده میشود، یک نام از تانیکوئتیل	Elerrína
خاک، خاکی	Cemna
ماه نو	Ceuran-
خورشید جدید بعد از تحول	Ceuranar
محوطه دایره وار/ تپه	Cormen
تپه	Coron
تپه	Cumbë
پایان رودخانه (بخش بزرگش)	-Duinë
دریا	Ėar
اقیانوس	Eäron
چاله، کنام	Ecca
ستاره، زمین، عطارد	Elemmírë
ستاره	Elen
ستارگان الناردا، نامی نومه نوری	Elena

معنی فارسی	الفی
آسمان ها، افلاک	Ilwë
رنگین کمان	Ilweran
رنگین کمان	Ilweranta
رنگین کمان	Ilquinga
دره عمیق، دره کوچک و عمیق بین درختان	Imbë
زننه (سوسن سفید) یا شاخه گلی بزرگتر	Indil
نوک یک کوه	Ingor
برف سبک	Is
ماه	Isil (p)
نور ماه	isilmë (p)
برجستگی سبز	laiquassë
برگی شکل	lassecantä-
سوراخ، گودال	latta-
دارا بودن برگ های زیاد	Lillassëa
داشتن گل های خیلی زیاد	Lilótëa

معنی فارسی	الفی
شمالی (یا باد شمالی)	fortë (forti-)
دریای طوفانی	Haloisi
یخ	Helcë
آسمان	Hellë
پل نورانی در آسمان، رنگین کمان	Helyanwë
غبار	hísë (p) (hísi-)-
غروب خورشید	histë-
مه	hiswë (p)-
رودخانه	hlóna-
جاذبه	hopassë-
ساحل، کنار دریا	Hresta
باران برف	Hrissë
نسیم، باد ملایم، همچنین نامی در تنگوار ۱۲#	Hwesta-
گرداب کوچک، جریان مخالف، چرخش آب	Hwindë
نور ستاره، نور چشمک زن	Ilma

معنی فارسی	الفی
ماه‌ور، دره ی تنگ و کوچک	nal, nallë
دره، وادی عمیق	Nando
مد، جزر و مد خفیف	Nanwë
برکه ی زنبق ها (یا سوسن ها)	Nénuvar
عطر، رایحه	Ne
دریاچه	Nendë
محبوب نسا، اسم یک درخت	Nessamelda
کاکل برفی	níquetil (níquetild-)
قطره ی برف	Nieninquë
شبیه قطره ی برف	Nieninquëa
تصویر ستاره در <b>Nurmenel</b>	Nillë
قله ی برفی، کلاه برفی	Niquetil
طرح شبنم، طرح قطرات ریز	Niquis
شبنم، شبنم یخ زده	Nixë
قله، ماه‌ور، دماغه ی مدور	Nóla

معنی فارسی	الفی
درختان بلوط بسیار	Lindornëa
شن	Litsë
ستاره های زیادی داشتن	Imtitnwë
درخت صنوبر زیادی داشتن	Intyulussëa
دریاچه، حوضچه	Lóna
گل، وضع گل، مقدار حجم گل	Lohtë
برف	Lossë
هوای تاریک	Lúre
سیل، طوفان، رود، دریا	Lúto
سیل	Luimë
ستاره، سیاره	Lumbar
ابر	Lumbo
گل و لای، لجن، تهمت و افترا	luxo (luxu-)
آسمان ها	Menel
دریاچه ی کوچک و عمیق کوهستانی	Moilë

معنی فارسی	الفی
استخر یا دریاچه سرد در کوهستان، شبنم یخ یزده، برفک	Ringwë
حلقه (بر روی زمین)	risil (p)
باران ملایم، شبنم زدن، هوای مرطوب	Rossë
غار	Rotelë
تونل یا غار کوچک	Rotto
شعله سرخ	Rúnya
شعله، آتش	Ruinë
آتش گر گرفته، آتش وحشی، آتش سوزی بزرگ	Ruivë
قسمت زبر چوب	Runda
مکان سنگی	Sarnë
سنگلاخ	Sarnië (sarniyë)
نهر، رود، جریان	Sírë
نورستارگان، نامی در تنگوار	Silmë
رودخانه، رود	Sire
گودال، جویبار	Siril

معنی فارسی	الفی
رود (در حجم زیاد و متمایل به جاری شدن)	Nuinë
پایین رفتن، غروب، غرب	Númë
صخره، پرتگاه کنار دریا	Ollo
طوفان بزرگ	Oloirë
سنگ	on, ondo
وضعیت گل های زرد	Ornemalin
کوه	oron (oront-)
طلوع آفتاب	orontë, oronto
قله کوه	Orotinga
قله کوه	Orto
هفت ستاره، دب اکبر (صورت فلکی)	Otselen (otso +elen)
انحرافی، کجی، سربالایی، سرازیری، دامنه شیب دار، زمین شیب دار	Pendë
ساحل (رودخانه)	Ráva
طوفان (صدای آن)	Raumo
تابش نور	Rilma

معنی فارسی	الفی
ستاره ی چشمک زن	Tingilya
باران ریز یا کم	Timpë
ریزش، ترشح، افشانه	Timpinë
تلالو، برق، درخشش	Tindë
اخگر، بارقه، جرقه	Tinwë
جوانه، غنچه، شکوفه	Tuima
دره ی عمیق	Tumba
دره، زیر یا میان تپه ها	tumbo (tumbu-)
تپه، ماهور	Tundo
کاهگل	Tupsë
رود بزرگ	Ulundë
توده مه، سایه تاریک	Ungo
آتش	Úr
گرما، حرارت	Úrë
باد	Vailë
بادخیز، طوفانی	Vailima

معنی فارسی	الفی
رودخانه، رود	Sirya
موج سواری، خیزاب کنار دریا	Solor
خیزاب کنار دریا، موج بلند خروشان	Solossë
هوایی، مرتفع	Sornion
صدای باد	Sû
باد، نفس	súrë (súri-)
جریان باد (رستنی)	Súriquessë
زمین، کف زمین، بستر، تکیه گاه	talan (talam-, pl. talami)
چاه، چشمه	Tampo
پوشیده از جنگل یا درخت	Taurëa
اسم صورت فلکی: اوریون، روشن است. شمشیرزنان عرش	Telimbectar
شفق درخشان، گرگ و میش روشن شده از نور ستارگان	Tindómë
ستاره ی چشمک زن	Tingilindë

معنی فارسی	الفی
سبز، تازه	Wenya
هوا، هوای پایین تر	Wilma
کف، اسپری	Winga
کف، موج	Wingë
گردنه باریک، باریکه ی اتصال	Yatta
گرگ و میش	Yualë
گرگ و میش	Yúcalë
گرگ و میش	Yúyal
طوفان عظیم	Wanwa
هوا، آسمان، اسمی از تنگوا	Wilya
به ثمر نشستن میوه ها	yav-

معنی فارسی	الفی
باد	Vaiwa
باد	Vaiwë
دریا (آب ها، جنبش)	Váya
باد	Vëa
نسیم (ملایم)	Vilë
بادی، هوایی	Vilin
آسمان، هوا، نامی از تنگوا	Vilya
هوا به عنوان یک ماده	Vista
باد، طوفان	Wá
باد	Wailë
باد	Waiwa
بادی، طوفانی	Wanwavoitë
نهر	Wentë

## فصل نوزدهم

### غذا و نوشیدنی

---

کلماتی شامل غذاها، نوشیدنی ها، مواد خوراکی و قوت مایحتاج مردم سرزمین میانه

معنی فارسی	الفی
وعده ی غذایی، زمان وعده ی غذایی	mat (matt-)
غذا، طعمه، آذوقه	Matil
غذا، طعمه، آذوقه	Matso
عسل خورنده	Melumatya
شهد آب، شرابی خاص یا دارویی خوش طعم	Miruvor
وعده یا زمان غذا	Mule
آرد و پودر (نرم)	Mulma
آب	nén (nen-)
نوشیدنی مشتق از آب	Nanda
زیبا، شکیل، خوش طعم	Netya
سیب	Orva
توت، تخم ماهی	Pië
آب میوه	Pirya
گرد، آرد، غذا، خوراکی	Porë (pori-)
تلخ	Sára

معنی فارسی	الفی
غذای پخته شده، گوشت	Apsa
نان زندگی	Coimas
قرص نان	Cornë
پرتقال	Culuma
سَم	hloima-
سَم	hloirë-
عسل	Lís(lîs)
خوشمزه به نظر رسیدن	Lámatyávë
چربی، غنی	lárëa-
نوشیدنی والار	Limpë
شیرین، خوشبو	Lissë
خوردنی	Mátima
نان، قوت	Massa
نان (به عنوان ماده ی غذایی)	Massë
نان، قوت	Masta



معنی فارسی	الفی
آبمیوه	Sáva
سَم	Sangwa
نمک (نمکی، شور)	Singwa
نمک	Singe
صمغ، چسپ، آدامس	Suhtë
سوپ، آبگوشت	Sulpa
پنیر	Tyur
میوه	Yávë

## فصل بیستم

### فعل ها

معنی فارسی	الفی
لمس کردن، دراחסاسات تحت الفطی	Appa-
بخشیدن	Apsene
دعا کردن	Arca-
بهتر بودن، برتری	Arya-
دونیم شدن، شکستن	Ascat-
گرمادادن، پختن (پخته شدن توسط پرتو خورشید)	Asta-
آزاد کردن، کمک کردن، راحت کردن	Asya
فاسد شدن، افتادن در	Atalta
حرکت کردن	Av
منع کردن، رد کردن	Ava
غدغن کردن، رد کردن	Avaquet
بخشیدن	Avatyar
دراز کشیدن	Caïta-
آب کشیدن، چاه کندن برای آب، آب از قایق خارج کردن	Calpa-

معنی فارسی	الفی
عکس العمل نشان دادن، واکنش نشان دادن، تلافی کردن	accar-
عکس العمل نشان دادن، واکنش نشان دان، تلافی کردن	Ahtar-
عوض شدن، تغییر کردن	Ahya-
تقدیس کردن، دعا کردن، رفتار مقدس داشتن	Aina-
تقدیس کردن، مقدس کردن	airita-
بی وقفه رشد کردن	Alála-
کاشتن، سبز شدن	ala-
دعا کردن، به معنی رونق یافتن، یک کمک کننده	Alya
حکم دادن، فنا، سرنوست بد	Ambar
بلند کردن	Amorta-
دادن	Anta-
قوی کردن	Antoryamë
لمس کردن، دراחסاسات تمثیلی، اثر، بستگی	Ap-

معنی فارسی	الفی
با بال گسترده پرواز کردن	Círa
فکر کردن	Cíta-
نگاه کردن به آینه، شیشه	cilintír, cilintilla
اعتنا کردن	Cim-
با بال گسترده پرواز کردن	Cir-
حمل کردن، تحمل کردن	Col-
گرد آوردن، فراهم آوردن	Comya-
پرخاش کردن	Costa-
حکم راندن	Cunta-
حکم راندن	Cunya-
است	Ėa
فهمیدن، دیدن	Ecces-
بیدار شدن	Eccoita-
یدکی، تعویض، پرکردن دوباره	Enquanta
تکرار کردن، دوباره گفتن	Enquete
جان بخشیدن، شفا دادن	Envinyata-

معنی فارسی	الفی
درخشیدن، تابیدن، براق کردن	Calta
روشن کردن، منور کردن	Calya
دریافت کردن، پذیرفتن، به دست آوردن، ستاندن	Cam-
تطبیق دادن، جا دادن، سازگار کردن	Camta
فرمان دادن، حکم دادن	Can-
جستن، پریدن	Cap-
ساختن، ایجاد کردن، بنا کردن	Car-
ساختن، بنا کردن	Carasta-
حرف زدن	Carpa-
کمان، قوس	caw-
دیدن، مشاهده کردن	cen-
قابل مشاهده، نظارت کردن	Cenda-
سوال کردن، پرسیدن	ces- (p)
جویندن، دنبال گشتن	Cesta
تازه کردن، تکرار کردن	Ceuta-

معنی فارسی	الفی
برف باریدن	Fauta-
آماده کردن (بدون معطلی)	Ferya-
احساس نفرت کردن، بیزار شدن، تنفر داشتن از	Feuya-
به آرامی محو شدن	Fifiru-
درست کردن، تمام کردن کار یا زینت دادن چیز حساسی	Finta-
انجام دادن کاری	Finya-
پنهان کردن، دروغ گفتن	fur-
جست زدن	Halta-
پوشیده، نهان، پرده نور	Halya-
نشستن	Ham-
قضاوت کردن	Ham-
جواب	Hanquenta
تشکر، تشکر پذیرفتن	Hanta-
شکر گذاری	Hantalë
درک کردن	Hanya-
ماندن، نشستن	Har-

معنی فارسی	الفی
اقامت کردن، باقیماندن	Er
به یاد آوردن، فراخواندن، به یاد داشتن	Enyal-
گفت / میگوید یا گفته	Equë
نیش زدن، سیخونک زدن	Erca-
نامیدن، نام دادن	Esta
توزیع کردن، پخش کردن	Estat-
بیرون، محیط	Etsë
خواندن با صدای بلند	Et-henta-
آزاد کردن، نجات دادن، رهایی بخشیدن	Etelehta-
جلو آمدن، پیش آمدن	Ettul-
نور ساطع کردن	Faina-
کف کردن، جوش و خروش کردن، پوشاندن، پنهان کردن	Falasta-
ریش بلند	Fanta-
	Fantgë
کافی بودن، کفایت کردن	Farya-
گرفتار کردن، درهم و برهم شدن	Fasta-

معنی فارسی	الفی
چشمک زدن اشاره کردن	hiuta-
پیدا کردن	hir-
فوت کردن، دمیدن؛ پرواز و یا جریان در باد	hlapu-
شنیدن	hlar-
زهر آلود کردن - سمی کردن - پرکردن سم	hloita-
نجوا کردن	hlussa-
بریدن	hóciri-
بستن - مسدود کردن	holta-
بستن - مسدود کردن	holya-
سرعت گرفتن - اصرار کردن - پرواز کردن	horta-
انباشتن - جمع آوری کردن - فراهم کردن	hosta-
از طرف، به دنبال مفعولی	hrá-
خنثی کردن، مخالف کردن، بی نتیجه گذاردن	Hranga-
برف میبارد	Hríza
پنهان کردن، دروغ گفتن	Hur-

معنی فارسی	الفی
صدمه زدن	Harna-
صدمه	Harwē
داشتن	Harya-
آسیب رساندن	Hasta-
پرت کردن	Hat-
ایستادن، استراحت کردن، متوقف شدن	Hauta
رفتن ضروری، کناره گرفتن	Heca
کنار گذاشتن، ترک کردن، رها کردن، محروم کردن، انکار کردن	Hehta-
چشم، برسی کردن با چشم، چک کردن برای خواندن (آرام و بی صدا)	Henta-
چشم غیر مسلح	hententa-
خشک کردن	hesta-
انجماد کردن	hilcin-
دنبال کردن	hilya-
چسبیدن - پایبند ماندن - وفادار ماندن	himya-

معنی فارسی	الفی
سقوط کردن	lanta-
به نظر رسیدن	Lamya-
گذشتن	langa-
محدود کردن - محصور کردن	lanya-
بافتن	lanya-
تازیانه زدن	lapsa-
گوش دادن	lasta-
باز کردن	latya-
لیسیدن	lav-
عملکرد، اجازه می دهد، اعطای لواور اسم شکوفه (طلایی)	lav-
شل، افتاده	lehta-
ارسال کردن	lelta-
رفتن، رهسپار شدن، سفر کردن (به هر طریقی)	Lelya-
پدیدار شدن، برای چیز های زیبا، جلب کردن (با حالت)	Lelya-
ماندن، درنگ کردن	Lemya-

معنی فارسی	الفی
وزیدن	Hwesta
شکافتن، جدا کردن	Hyandë
دعا کردن	Hyam-
زخمی شدن	Hyan-
تیغه	Hyanda
جداسازی، تقسیم کردن	Hyar-
سوسو زدن، نور دادن (سفید)	ilca-
حدس زدن، فرض کردن، خیال کردن، تخمین زدن	intya-
دانستن، شناختن، خبر داشتن	ista-
جرقه زدن، چشمک زدن، تلاو داشتن	ita-
برتری داشتن، جلو زدن، گذشتن، عبور کردن، پیش افتادن	Lahta-
ستایش کردن، دعای خیر کردن	Laita
خندیدن	Lala-
رد کردن	Lala-

معنی فارسی	الفی
سرود یا آهنگ خواندن	Lir-
شاخه زدن، جوانه زدن	Lohta-
اصابت نکردن، سقوط، خراب شدن	Loita-
پنهان	Lom
چرت زدن	Lor-
شکوفه دادن	Losta-
جادو کردن	Luhta-
خم شدن، تعظیم کردن	Luhta-
سیل زده کردن، از آب پوشانیدن، اشباع کردن	Luita-
سنگین شدن	lumna-stative
نجوا کردن	Lussa
جاری شدن، شناور شدن	lutta-
جاری شدن، شناور شدن	lutu-
اخم کردن، خورد شدن، در فکر فرو رفتن	luvu-
قطع کردن با شمشیر	mac-
ساختن شمشیر	maca-

معنی فارسی	الفی
شل کردن، سست کردن	Lenca-
درنگ کردن	Lenda-
رفتار کردن	Lenga-
رفتن	Lenna-
کشیدن	Lenu-
رفتن، کوچیدن	Lenweta
انتخاب کردن با انگشت	Lepta-
اشاره کردن، نشان دادن	Leptenta-
احساس آزادی کردن، امکان پذیر، جلوگیری نشده	Lerta-
رها کردن، آزاد کردن، ترک کردن	Lerya-
ترک کردن	Lesta-
حرکت کردن	Lev-
تنیدن	Lia-
رقصیدن	Lilta-
آویختن، آویزان کردن	Linga
چکاندن	Lipta-



معنی فارسی	الفی
پختن، طبخ کردن	masta-
خوردن	mat-
وادار کردن، مجبور کردن	mauya-
رفتن	men-
گسیل کردن، فرستادن، باعث رفتن کسی شدن	menta-
خواستن، آرزو کردن، نیاز داشتن، تمایل داشتن	mer-
تمام کردن	metya-
اشتیاق داشتن برای رفتن در راهی	mína-
خمیازه کشیدن	milya-
بوسیدن	miqu-
درخشیدن، تلالو داشتن	mirilya-
هدایت کردن، سوق دادن	mittanya-
منحرف کردن و گمراه شدن، آواره بودن	mista-
الحاق کردن، جا دادن، در میان چیزی گذاشتن	mitta-

معنی فارسی	الفی
به کار بردن یک اسلحه، جنگیدن	mahta-
آسیب زدن، درد داشتن	mala-
معامله کردن، تجارت کردن	manca-
برکت دادن، تقدیس کردن، خوشبخت کردن، دعا کردن	manta-
ساختن، آماده کردن، مجهز کردن	manwa-
برکت دادن، تقدیس کردن، خوشبخت کردن، دعا کردن	manya-
قاپیدن، چنگ زدن	mapa-
تجاوز کردن، به زور گرفتن، هتک حرمت کردن	mapta-
پرسیدن، طلب کردن، درخواست کردن	maquet-
ماندن، مستقر شدن، ثابت شدن	mar-
محدود کردن، حکم کردن، تعیین سرنوشت کردن، رخ دادن	marta-
مقدر کردن، از قبل انتخاب کردن	martya-

معنی فارسی	الفی
برگشتن، مراجعت کردن	nanwen-
افزودن، ترکیب کردن، الحاق کردن	napan-
کندن، چاک زدن، دریدن	narca-
برافروختن، آتش گرفتن	narta-
سیخ یا سیخونک زدن، نیش زدن	nasta-
نا امیدی، نفرت داشتن، حقیر شمردن، تحقیر کردن	nattira-
قضاوت کردن، حکم دادن، تشخیص دادن	nav-
کشتن، کشتار	nehta-
محروم کردن، سلب کردن	nehta-
زینت دادن، تراشیدن، آراستن، پیراستن، هرس کردن، با زر و زیور آراستن	netya-
سعی کردن، امتحان کردن، محتکمه کردن	nev-
سرد شدن، سرد کردن، سرد (مربوط به آب و هوا)	nicu-

معنی فارسی	الفی
نفرت داشتن، دشمنی ورزیدن، کینه داشتن	moc-
رنج دیدن، تقلا کردن، آزرده شدن	moia-
مخفی کردن، پنهان داشتن، پوست کندن	moru-
چرت زدن	muru-
بریدن، قطع کردن	nac-
فرخواندن، طلبیدن، احضار کردن	naham-
کشتن، کشتار کردن، ذبح کردن	nahta-
دستوری / بخشید	Nai
عمل کفرآمیز انجام دادن، کفرگویی کردن، به مقدسات توهین کردن	naiquet-
شرم آور / خجالت دادن	naitya-
قضاوت و محاکمه کردن، تشخیص دادن	-nam
کوبیدن، پتک زدن	namba-
باطل کردن، خراب کردن، تباه کردن	nancar-
چنگ زدن، به صدا در آوردن	nanda-

معنی فارسی	الفی
زدن، گره زدن، تساوی بستن	nut-
درد کشیدن، عذاب دادن، معذب کردن	nwalya-
گفتن، تعریف کردن	nyar-
زاری کردن، تاسف خوردن، سوگواری کردن	nyéna-
گرد آوردن، فراهم کردن	ócom-
خواب دیدن	óla-
امان داشتن، دنبال کردن از نظر مکانی، داشتن بخشش	órava-
جنگ درست کردن	ohtacar-
رشد کردن	ol-
سیل زده، طوفان زده	oloiya-
حساب کردن	onot-
تولید کردن، آفریدن	onta-
وادار کردن، تکان دادن، حرکت دادن، (فقط برای برانگیختن انگیزه روحي)	or-
برخاستن، بلند شدن	orta-

معنی فارسی	الفی
سفید کردن، سفید شدن	ninquitá-
نور سفید تاباندن	ninquita-
سرد است، در حال انجماد است	Niquë
فشار دادن، چپاندن، با زور جلو رفتن	nir-
جستن، دویدن، فرار کردن	nor-
ادامه دادن، به نرمی دویدن	nornoro-
دواندن، مخصوص اسب یا حیوانات دیگر	norta-
ایجاد کردن، تولید کردن	nosta-
محسوب کردن، حساب پس دادن، محسوب کردن	not-
غروب کردن، فرو نشستن (ماه و خورشید)	núta-
از رشد بازماندن، کوتاه ماندن	nuhta-
غرغر کردن، من من کردن، زمزمه کردن، کژیدن، خرخر (از سگ)	nurru-
پنهان کردن، راز نگه داشتن	nurta-

معنی فارسی	الفی
بریدن، قطع کردن، انداختن	Pelehta-
مجبور نبودن	Pen-
سرازیر شدن	Penda
اخم کردن	Penga-
تقسیم کردن زمین	Perya-
ضربه زدن، کوبیدن	Pet-
کاهش دادن، کمتر شدن، کاهش تدریجی	Píca
فشار دادن، چرخیدن	Pir-
بغض کردن، کینه ورزیدن	Piuta-
تمیز کردن، پاک کردن	Poita-
توانستن، قدرت بدنی	Pol-
ایستادن، موقف شدن	Pusta-
مردن	qual-
بالا آوردن، مریض شدن	quama-
پر کردن	quanta-
مبادله کردن	quapta-

معنی فارسی	الفی
تنبيه کردن	Paimeta-
بازپس دادن، جبران کردن	Paitya-
تکان دادن	Pal-
نگاه کردن، نگاه کردن به دوردست	Palantíra-
کتک زدن، شلاق زدن، خورد کردن	Palpa
حس کردن با لمس کردن	Palta-
پخش شدن، باز شدن	Palu-
پخش کردن، باز کردن، بیشتر کردن	Palya-
پخش شدن، گشودن	Panta-
تعمیر کردن، جا انداختن	Panya
یاد گرفتن، جمع آوری اطلاعات (نه با کسب تجربه بلکه با نوشتن و آموزش)	Par-
صافکاری، صاف کردن	Pasta
راه رفتن	Pata-
دور زدن، گرداندن، چرخیدن، برگرداندن	Pel-

معنی فارسی	الفی
چاق	rer-
پیچ و تاب دادن، سعی کردن، امتحان کردن، کوشش کردن، تلاش کردن	ric-
تکان، ضربه شدید و سریع برای به حرکت درآوردن، حرکت کردن، تکان خودن	rihta-
تعقیب کردن	roita-
شکار، شکار کردن	Roimë
انتقال دادن، حرکت کردن، کشیدن	rúma-
رها	rúna-
احساس ترس یا وحشت کردن	ruc-
پرواز کردن	ruc-
وحشت زده کردن	ruhta-
جستجو کردن، دنبال چیزی گشتن	Saca-
کشیدن، به طرف خود کشیدن	Saca-
واداشتن، وادار کردن	Sahta

معنی فارسی	الفی
خراب شدن	quel-
نوبت	quer-
گفتن، حرف زدن	quet-
تکان دادن، چرخش درست کردن	quir-
برتری داشتن، بهتر بودن	ráta-
شکستن	rac-
کشش، رسیدن به، امتداد دادن	rahta-
شبکه یا توری درست کردن، با تور چیزی را گرفتن	raita-
فریاد زدن	rama-
سرگردان بودن	ranya-
شکار کردن، صید کردن	Raust
شبکه درست کردن، توری درست کردن	rëa-
رهایی بخشیدن، نجات دادن	rehta-
دام گذاشتن، تله گذاشتن	rem-
تله انداختن، تور انداختن	remba-

معنی فارسی	الفی
نفس کشیدن، اسنشاق کردن، دم زدن	súya- (p)
نوشیدن، خوردن	suc-
بستن، چسپاندن، چفت کردن	tac-
طولانی کردن، امتداد دادن، دراز کردن	taita-
لغزیدن، سرازیر شدن، پایین کشیدن، سقوط کردن	talta-
ضربات آهسته و پیوسته زدن، آب را جاری کردن	tam-
بدگویی کردن، ضربه زدن، به صورت متوالی زدن	tamba-
نشان دادن، نمایش دادن	tana-
چنگ زدن	tanta-
متوقف کردن، مانع شدن	tap-
ایستادن، ماندن، واداشتن	tar-
مصلوب کردن، بدار آویختن	tarwesta-
دو برابر کردن، مضاعف کردن، دولا کردن	tatya-

معنی فارسی	الفی
چشیدن، مزه مزه کردن، مشروب داشتن	Salpa
داشتن	Sam-
کندن	sapa- یا Sapa-
کنار گذاشتن، باطل کردن	Sat-
اعتقاد داشتن	Sav-
درست کردن یا انجام دادن چیزی خیلی بد	Saucarë
آزاد کردن، رها کردن	Sen
استراحت کردن	Senya
شبیه شدن	Sesta-
درخشیدن (سفید)	Sil-
فلوت زدن	Simpa
محو شدن، پژمردن	sinta- (p)
جریان داشتن، سلیس بودن	sir-
تابش مداوم (نقره ای و طلایی)	sisilcala-
شستن، پاک کردن، غسل کردن	sov-
شستن، حمام کردن، تطهیر	Sovallë

معنی فارسی	الفی
دنگ دنگ کردن، صدای زهی ایجاد کردن	tinga-
جرقه درست کردن، برافروختن، گر گرفتن	tinta-
چشمک زدن، برق زدن	tintila-
تلاو داشتن، جرقه زدن	tintina-
تماشا کردن، نگهبانی دادن، محافظة و توجه کردن	tir-
چاق شدن، باد کردن، ورم کردن، آماس کردن	tiuya-
دلداري دادن، تسلي دادن	tiuta-
منزل دادن، سقف دار کردن، طاق زدن	tópa-
جمع کردن، اندوختن، چرخیدن	tolu-
پوشاندن، پوشیدن، پنهان کردن	top-
جوانه زدن، سبز شدن، جهیدن	tuia-
رسیدن، آمدن	tul-
نصب کردن، برپا کردن، استوار کردن	tulca-

معنی فارسی	الفی
نوشتن	tec-
شلنگ انداز راه رفتن، گشاد گشاد با قدم های بلند رفتن	telconta-
تمام شدن، پایان یافتن	telë-
سایه بان زدن، سایه انداختن، روی پرده انداختن	telta-
تمام کردن، خاتمه دادن	telya-
اشاره به چیزی، اشاره کردن: مستقیم، ارجاع دادن	tenta-
شکستن، از هم شکستن	terhat-
ایستادن، مقاومت کردن	termar-
نفرت داشتن، بیزار بودن، عداوت داشتن، مشمئز شدن	tevë-
خواندن موضوع نوشته شده	tengwa-
نمایان شدن، چشمک و سوسو زدن	tihta-
درخشیدن، تابیدن، درخشاندن، تاباندن	tin-

معنی فارسی	الفی
در لفافه پیچیدن، در بر گرفتن	vaita-
فرمانروایی کردن (تنها برای والار)	vala-
نه گفتن	váquet-
محافظت کردن	varya-
پوشاندن، مستور کردن	vasarya-
ازدواج کردن	verta-
ازدواج کردن	Verya
جرات کردن، یارا بودن	verya-
به عقد در آمدن، ازدواج کردن	vesta-
پرواز کردن	vil-
تغییر کردن	virya-
تغییر دادن	vista-
به هیجان آوردن، به حرکت انداختن، رم کردن	walta-
هیجان زده شدن	walya-
وزیدن، دمیدن	wáya-

معنی فارسی	الفی
دنبال کسی فرستادن، رفتن و آوردن، احضار کردن	tulta-
رهبری کردن (+ allative)	tulya-
پشانیدن، پوشیدن، پنهان کردن	tup-
کنترل کردن، خوب به کار بردن، اداره کردن	tur-
تسلط یافتن، مغلوب ساختن، پیروز شدن بر	turu-
پیدا کردن، کشف کردن، تشخیص دادن	tuv-
بازی کردن، نواختن	tyal-
باعث شدن، واداشتن	tyar-
امتحان دادن	tyasta-
مزه کردن، مزه دادن، چشیدن، خوشمزه کردن، لب زدن	tyav-
خاتمه دادن، متوقف کردن	tyel-
نخواهم کرد! نخواهم بود! (حرف ندا و تعجب)	Vá
لکه دار کردن، رنگ کردن	vahta-



معنی فارسی	الفی
پرواز کردن	wil-
افشاندن، پراکندن	winta-
طلبیدن، احضار کردن	yal-
فریاد زدن، خروشیدن	yam-, yama-
خمیازه کشیدن، دهان دره کردن	Yanga-
اضافه کردن، تقویت کردن	yantya-
بیزاری جستن، نفرت ورزیدن	yelta-
لباس کردن، پیر شدن	yerya-
خواستن، تمایل داشتن	yesta-
نگاه کردن به	yéta-
محصور کردن، تعیین مرز برای/به	yor-
نوشیدن، عیاشی	Yulmë
دویدن، فرار کردن	yur-
نوشیدن	yul-

## فصل بیست و یکم قیدها

معنی فارسی	الفی
فردا	Enwa
در آن روز(اشاره به آینده)	Enyárë
در نتیجه، بی درنگ، پس از آن، از آنجا	Epeta
بنابراین، در نتیجه	Epetai
در نتیجه، بی درنگ، پس از آن، از آنجا	Epta
بیرون (مفعول منه) خارج از	Et
خارج، آشکار(مفعول منه) خارج از	Etellë
خارج، آشکار(مفعول منه) خارج از	Etelyë
خارج، آشکار (مفعول منه) خارج از	Etemmë
خارج، آشکار (مفعول منه) خارج از	Etengwë
بنابراین، به این دلیل	Etta
بیرون، دست بالا	Ettë
به اندازه ی کافی، انقدر	Faren
نزدیک	har, hare

معنی فارسی	الفی
زیاد	Acca
منفی کننده. هیچ	Alaië
بالا	Amba
زیاد	Ambë
دور تر به آن سو	Ambela
نزدیک شدن به	Ambena
نزدیک شدن به، اشاره به مکان در حال نزدیک شدن	Amna
خیلی وقت پیش، روزی روزگاری	Andanéya
طولانی	Ando
پرسده، کامل شده	Aqua
اشخاص ها چیز های اضافی	Arta
دوباره، همچنین	Ata
اگر چنین باشد، باشد که، شاید	Canasta
شاید، ممکن است	Cenasit
لفظ جدی	É
هنوز	En

معنی فارسی	الفی
دور از، خارج از	oa, oar (öa, öar)
زیاد	Olë
جلو	Ompa
وقتی، زمانی که	Pan
جلو رفتن	Póna
بنابراین	Potai
آغشته بودن، بی رنگ، تغییر رنگ دادن	Púrëa
هنگامی که	Quië
هرگاه	Quiquië
به زودی	Rato
سپس، پس	San
آنجا	Sanomë
حالا	Sí
اینجا	Si
این روز	Siar(siarë)

معنی فارسی	الفی
اینجا	hí-
همیشگی	Illume
با شدت، با افراط، بسیار	ita, íta
نه	Lá
نه، منفی	Lánë
نه، برای مخالف کردن استفاده میشود	Laia
ابدا- خیر	lanyë-
طلایی	laurië -
بیشتر	Lil
سریع	Lintië
خوب، به خوبی	Márië
به خوبی	Mai
کمتر یا کوچک تر	Mis
سه بار، سه گانه	nel, nel-
پایین، در زیر	Nún

معنی فارسی	الفی
است به معنای در این زمان به حالت محدودتر	talumë
آن جا، به آن جا، آن طرف تر	Tamen
از این رو، بنابراین، به این دلیل	tanen, tánen
(اشاره به) بودن در جایی	Tanomë
آنجا	Tás
آنجا	Tassë
برای همیشه	Tennoio
از آن زمان، از آن جهت، دیگر	Tó
بدون	Ú
موقتا، دائمی نیست	Ullumë
زیر، تحت	Undu
قید برعکس	Úsië
مشابه	Vela
همواره	vor, voro

معنی فارسی	الفی
بدین گونه، از این قرار	Sië
از این جهت، از این ور	Silo
در این زمان، در حال حاضر	Silumë
اینجا، اینطرفی	Simen
بدین گونه، از این قرار	Sin
خب، به این ترتیب	Sinen
از این رو	Sio
اینجا	Sís
در امروز، در حال حاضر	Síra
اینطرفی	sir , sira
اینجا	Síssë
پس، سپس	Tá
همچنین، همین طور، نیز	Ta
سپس، پس	Tai
پس از آن، از آن جا، دیگر	talo, tó

معنی فارسی	الفی
همیشه	vora, vorë
همواره، متداولا	voro, voro-
اخیرا	Yallumë
همچنین	Yando
روزی روزگاری	Yassë
دوگانه، هر دو	Yúyo

## فصل بیست و دوم

### متفرقه

معنی فارسی	الفی
باطل	Cúma
هستی، روح	Ēala
بقیه، دیگری	Eces
پایان دادن	-Ello
مرکز، میانه	Endë
چیز	Engwë
شرح دهنده ی آنچه که در انجاست	Enta
حکمت، حکم، رای، گفته، نقل قول، اقتباس	Eques(equess)
مقدس	Ercassë
او(مذکر)، او(مونث)	Essë
آغاز، ابتدا	Essë
دیگر، جدا	Exë
شیخ، روح	Fairë
جادوی بد	Felu
آستانه، سرحد	Fenda

معنی فارسی	الفی
سلام و درود، نوع دیگر "aiya"	Aia
پرواز گردشی	Alquarámë
نکبت	Angayassë
آتش سوزناک، آتش سوزی بزرگ	Aparuivë
خصوصی	Aquapahtië
قانون، مقررات، حکم	Axan
سقوط	Atalantë
سند	Carda
گنجینه، ثروت (توری برای بستن به محدود)	Carrëa
نشان مرموز، طلسم	Certa
تجدید، تکرار	Ceulë
شکاف	Cilia
نشان مرموز/طلسم	Cirtë
بار	Cólo
زندگی/هستی	Coitë



معنی فارسی	الفی
همه کس، هر کس	Ilquen
همه چیز، همه	Ilúvë
علم، معنای کلی علوم	Ingolë
موضوع خوب	Ipsin
نه، درواقع برای مخالف کردن به کار می رود (منفی)	l.á umë laumë
انجام ندادن، بیهودگی	Lacare
سقوط	lanta -
پست مرزی یا علامت	lantalca-
سقوط	lantë-
لیگ، اندازه گیری خطی، ۵۰۰۰ رنجر	lár-
باز بودن	lātië-
چربی، ثروت	lar-
در مخالفت کردن کاربرد دارن نه در منفی کردن	Lala
لبه تیز، پایان ناگهانی	Lanca
لبه	lanë (lani-)

معنی فارسی	الفی
محرمانه، راز، اختفا	Fólë
سایه ی عمیق	Fuinë
ثروت	heren -
روح-سایه	hó-
ضرورت	hormë-
سرعت، درخواست	hortalë-
یک ضربت داشته باشید، مجبور شوید چیزی را انجام دهید	horya-
تعداد زیادی	hosta-
جسم/ماده آردا، ماهیت، ذات	Hrón
خط عرضی	Hwarma
گردیدن، گشتن، دوران داشتن، چرخیدن	Hwinya-
شکاف	Hyatsë
جلوه، لحظه، نور مختصر	Íta
همه چیز	Illi
همه چیز	ilqua (ilqa)

معنی فارسی	الفی
سایه، تاریکی	Lumbë
سایه (بزرگ و سنگین)	Lumbulë
شوم، ستم پیشه	Lumna
پسندیده، عالی، محبوب، نفیس	Maira
طلا، ثروت	Malta
حکم ابدی، سرنوشت، اقبال، عاقبت، محشر	Manar
سرنوشت، قسمت، بخت	Maranwë
مقیم	Mardo
سرنوشت، تقدیر	Marta
بخت، تقدیر	Marto
پیام یا چیزی در حال ارسال	Menta
هدف، غایت، پایان	mentë
سفر، عزیمت، جهت سفر	Mentië
پایان، سرانجام، هدف	Metta
کبود، نا امید	mísë (p)

معنی فارسی	الفی
افتتاح	latya -
راه، روش، شیوه	lé -
سایه انداختن با هر وسیله ای	Lëo
اندازه	Lesta
موم	Líco
پایان یافتن (وابسته به جز، جمع)	-li
قطره	Limba
پیوند	limë (limi-)
شفافیت	Liquis
سایه دار، سایه	Lómin
پایان کوتاه، بدون	lóra-
چرتی	Lórë
وقت، زمان	Lú
افسون	Lúcë
بدهی، خطا	Lucië

معنی فارسی	الفی
اساسنامه، قانون، حکم	Namna
گودی، وادی، دره، جلگه	Nandë
چیز، شیء، دارایی	Nat
زاویه، کنج، قلاب ماهیگیری	Neccë
هر فرم یا طرحی که به حالت مخروطی به سمت قله باریک می شود؛ سرنیزه، مثلث، گوه، برآمدگی باریک	Nehtë
سه گانگی، تثلیث	Neldië
مثلث	Neltil (neltild-)
زاویه، تیزی	Nerca
روح دشت	Nermi
بدلی، چیز کم خرج	Netil
بخش نهایی ترکیبات دوست	nil-
احتساب	Nótië
مسابقه، دویدن	norië
مسابقه، دویدن	Normë

معنی فارسی	الفی
خرده، قطعه، تکه ی کوچک	Mië
رنگ روغنی، نفت، روغن، چربی، مرهم	Millo
پرس و جو، استعلام	minasurie (p)
قطعه، تکه، نمونه	Mitta
سیاه، تیره، تار، شب، تاریکی	Mórë
جوهر	Móro
کار پرمشقت، رنج	móta-
تاریکی	Mor
سایه، آلودگی، تاری	Mordo
تیرگی	Mornië
لکه، بدنای	Motto
شعله، تابش، شور و تب و تاب	Nár
شعله، تابش، شور و تب و تاب	Nárë
مزه، پهن، تهی	Naira
پژواک، اکو	nalláma, nallama
بازتاب درخشان، تشعشع (از جواهرات، شیشه، فلزات براق یا آب)	Nalta

معنی فارسی	الفی
صعود	Orosta
ادغام	Osamna
سنگ دیدنی؟	Palantír
ظاهر، سطح	Palmë
نقشه، ترتیب، نظم	Pano
آشکار شدن، فاش شدن، باز شدن	Pantië
آنسوی، انطرف	Pella
خط و حد، مرز	Pelo
پاشنه گردان، چرخش حول یک محور، محور اصلی	Peltas (peltax)
لکه کوچک	Pica
تعقیب	Pimpë
پشت، دنبال، عقب	Pontë (ponti-)
ایست	Pusta
ایست	Putta

معنی فارسی	الفی
گاری، ارابه	Norollë
انواع، نمونه	Nostalë
هنرهای سیاه، محرمانه بودن	Núlë
طرح اولیه ی غرب(ی)	Nún
رابطه، پیوستگی، گره، خفت	Nútë
راز و رمز	Nulda
پنهان، مخی، پنهان شدن	Nurtalë
سایه ی مرگ	Nuruhuinë
طالع	Órë
ادغام	Ocamna
گردآوری، اجتماع، انجمن	Ocombë
ادغام	Ohlon
عطر	Olmë
دیدار، ارتباط دو نفر	Omentië
صورت حساب	Onótië
ماده از نظر فیزیکی	Orma

معنی فارسی	الفی
ضربه سریع	rincë (rinci-)
دایره	Rindë
تخطی، بدهی	Rohta
فراز	Rosta
بدهی، تخطی	Ruhta
شکاف کوچک، جای پا	Runya
قانون، حکم	Sanyë
اسمی در تنگوار به معنی صدا	Sarda
مدل جایگزین	Sauro(n)
کمتر یا مقدار ناکافی از چیزی	Sír
کثافت، آلودگی	soa (söa )
حواله، پشش نویس، برگزیده	Suhto
روح، جان، همچنین اسم تنگوا #۹	súlë (p) (súli-)
حفره تو خالی، بغل و بر	Súma
همخوان به تلفظ در آمده	Surya
طولانی شده، گسترده	Tailë

معنی فارسی	الفی
پر کردن	quat-
حساب، تاریخچه	Quentalë
حساب قدیمی	Quentasta
صلح	Rainë
عمق	Rangwë
قسمت	Ranta
بی نظم سرگردان	Ranya
کشیدن هر چیز بزرگی، وسیله نقلیه صاف بالای چند چرخ و یا یک غلطک برای حمل کردن سنگ یا هر ماده سنگین دیگر	Raxa
خطرناک	Raxë
سرحد، حاشیه، لبه	Réna
تنیده	Rembë
دام	Remma
کنار، لبه، حاشیه	Ríma
حرکت ناگهانی، تکان شدید، حرکت کردن	Rinca

معنی فارسی	الفی
روپوش، پوشاننده	Telmë
خیمه، طاق، سایه بان	Telumë
سوراخ کوچک کنده شده	Terra
رده، روش، مسیر، مسلک، جهت، راه	Tië
ستون، الگو و قالب، پایه	Tulwë
بازی و تفریح، نمایشنامه، ورزش	Tyalië
پایان، انتها	tyel (tyeld-)
پایان، پسوند، فرجام	Tyelma
سپر، محافظ	umbas (p)
توده؛ ماهور	umbo(n)
مجموعه ای عالی یا جمع چیزهایی از همین دست	Úmë
کاری غیر ممکن	Únat
نقطه در آخر خط نوشتن	Unutixë

معنی فارسی	الفی
طولانی شده، گسترده	Taima
رمز، نشانه، اثر، امضا	Taina
نشان، پست، منصب	Talca
پایه، مبنا، ریشه	Talma
آن موضوع، آن چیز	Tama
چیزی که با دست ساخته شده است	Taman
محصول مصنوعی، ساخت دست	Tamna
اثر، نشانه، امضا	Tanna
ضربه ی قلم یا قلم مو هنگام استفاده ی طولانی	Tecco
دودمان از نشان تنگوا	Telco
پایان، فرجام	Telë
طاق، وسیله ارتباطی	Telluma
اتمام، اختتام، فرجام	Telma

معنی فارسی	الفی
فراوانی، مقدار زیاد	Úvë
نیرو، خداوندگار، قدرت ماورایی و مقدس	Vala
ضربه، دمش	Vangwë
سیال، حرکت رو به جلو	Wilwa
زرق و برق، تابش	Wintil
تیرگی، زنگار	Yaru
شروع	Yesta
پیش نویس، حواله	Yulda

## فصل بیست و سوم

### مشاغل

---

در داستان های تالکین کمتر به مشاغل خاص پرداخته شده است، با این حال به نظر می رسد که ساکنان سرزمین میانه هر یک پیشه ی خاصی را برای خود برگزیده بودند.



معنی فارسی	الفی
خواننده، نامی که تلری خود را صدا میزنند	Linda
شمشیر زن	Macar
سوداگر، معامله گر، تاجر	macar
جنگجو، سلحشور، دلاور	Mahtar
هنرمند، معمولا جز در ترکیب ها به عنوان شاعر استفاده می شود	Maitar
چوپان گوسفند دوست	Mámandil
تجارت، بازرگانی، معاشرت	Mancalë
چوپان، شبان	Mavar
شمشیر داران	mectar
چنگ نواز	nandaro
قاتل	nehtar
مرد سرنیزه دار، یک فرم جنگی	nernehta
خنیاجر، خواننده، نغمه سرا	Nyello
مجسمه ساز	Ontamo
دزد	Pilu

معنی فارسی	الفی
چراغ ساز	Calmatan
فرمانده، سرکرده	Cano
سفاگر	cemna: cemnaro
سفاگر	Cemnaro
سفالگر	Centano
ملوان	Ciryamo
ملوان	Ciryando
نگهبان	Cundo
پیشه/هنر	Curwë
ساحره(با جادوی خوب)	Curuni
جادوگر	curuvar, curuvariجمعpl.
نیزه دار	Ehtyar
چوپان زن	Emerwen
رهبری	lanu-
نساجی	lan wa-

معنی فارسی	الفی
دزدی، دزد	Pilwë
راوی	Quentaro
عیار، آواره	Ránen
سوار کار، اسب سوار، شوالیه	Roquen
جادوگر	Sairon
نجار، استاد، سازنده	Samna
آهنگر، زرگر	Sintamo
کوره ی آهنگری	tamin (taminn-)
زرگر، آهنگر	Tamo
صنعت گر، آهنگر	Tano
نجار، دروگر، کنده کار	Tautamo
منادی، قاصد، جلودار	Tercáno
دیده بانی، شیفت نگهبانی	tiris (tiriss-)
دیده بانی، شیفت نگهبانی	Tirissë
چنگ نواز	Tyalangan

## فصل بیست و چهارم مکان ها و جهت ها

---

مکان های طبیعی، بناهای ساختگی، جهت های جغرافیایی و حالت های مکانی در داستان های تالکین

معنی فارسی	الفی
ساختمان، تالار چوبی	Ampano
پایین	Ára
سربالایی	Ampenda
سربالایی	Ampendë
سرزمین نعمت، نام نوم نور	Andórë
دروازه	Ando
دروازه ی بزرگ	Andon(andond)
جزیره ی پادشاهان، ارنور	Arandóre
مملکت	Arda
قلمرو آردا	Ardaranyë
قلعه	Arta
ناحیه	Artaurë
از راه دور، دور	Avahaira
خوابگاه	Caimasan
بنا، ساختمان، خانه	Car (card-)
ساخت خانه یا دژ اطراف خاکریز یا پناه گاه	Carassë

معنی فارسی	الفی
شیئی مقدس یا مکانی	Àyan
یک چیز یا شیء یا مکان مقدس	-aian
قله	Aicalë
قله ی کوه	Aicassë
استخر، دریاچه	Ailin
حفره (مقدس)، معبد	Ainas
سرزمین پرندگان = جو پایین تر	Aiwenor , Aiwenorë
سرزمین تعدادی از الم ها (الم: درختان بلندی که در سراسر مناطق شمالی سرزمین میانه رشد می کنند)	Alalbinóre
سرزمین تعدادی از الم ها	Alalvinore
مکانی در پایتخت تلری	Alqualondë
زمین، جهان	Ambar
سربالایی	Ambapenda
تپه	Ambo
زمین صاف	Ambuna

معنی فارسی	الفی
ساحل، لب دریا	Fára
ساحل لب دریا، ساحل	Falas(falass,falassë)
راه کوهستانی	Falqua
نام مکانی در آسمان	Fanyamar
آسمان (ارتفاعات بالا و بین ابرها)	Fanyarë
منزلگاه، خانه	Farnë
جهنم	Fatanyu
شمال	Formen
شمالی (یا باد شمالی)	Formenya
شمالی (یا باد شمالی)	Forna
شمالی (یا باد شمالی)	fortë (forti-)
راست، در طرف راست	Forya
خیلی دور، دور افتاده (صفت)	Háya
نزدیک (صفت، قید)	har, hare
منطقه، قلمرو	Harda

معنی فارسی	الفی
پناه گاه، حفاظت	Cauma
خانه	Coa
معبد	Corda
محوطه دایره وار	Corin
محوطه دایره وار	Cormë
گنبد/قبه	Coromindo
تپه	Coron
تپه	Cumbë
جهان	Eä
نام مکان است خانه ی الف ها	Eldamar
مکانی در سرزمین میانه	Endamar
نام مکانی در سرزمین میانه، مرکز جهان	Endor
بیرونی، اقصی نقاط، از دور ترین نقطه ی خارج	Erúmëa
بیابان	Erumë
سرزمین های خارجی	Ettelë

معنی فارسی	الفی
زمین	Kemen
تخت (مسطح)	lára-
کرانه، مرز	Landa
گذرگاه - به ویژه در سراسر یا بیش از یک مانع - همچنین گردن	lango-
لورین	Laurelindórinan -Laurenande
استخر	Linya
بندرگاه	Londë
پناهگاه، لنگرگاه	Londië
نام کوئنیایی که سیندار به باراد دور دادند	Lúnaturco(Taras Lúna
کوهستان های آبی	Lúnoronti
خانه، منزل، مسکن	már (mar-)
خیابان، جاده	Mallë
قلعه ی زندان	Mandos (Mandost-)
زمین، خانه، مسکن	mar (mard-)
محل سکونت، جایی برای زندگی	Marda

معنی فارسی	الفی
پناهگاه، بندر، خلیج کوچک دریا	hópa-
ساحل، کنار دریا	Hresta
شرق	Hrómen
شرقی	Hróna
مسکن زیرزمینی، غار مصنوعی	Hróta
اعماق تاریکی	Huinë
جنوب	Hyarmen
جنوبی	Hyarmenya
جنوبی	Hyarna
چپی	Hyarya
عمارتی بر فراز ابرها، منزلگاه مانوه و واردا روی اویولوسه	Ilmarin
منطقه ای ورای ابرها که ستارگان آنجا پدید	Ilmen
جهان (اسم خاص)	Ilu
قله، اوج، راس، بالاترین نقطه	Inga
شهر	Irin

معنی فارسی	الفی
سرزمین، زمین	Nór
سرزمین (همراه با مردم خاص)	Nórë
سرزمین، دیار، روستا	Nórië
سابق، جلو	Noa
مقبره	Noirë
دره ی گورها در نومه نور	Noirinan
سرزمین گنوم ها	Noldomar
دماغه (یک منطقه)	nortil (nortill-)
غرب، محل غروب آفتاب	Numen
غربی	Númenya
غربی	Núna
رودخانه ی غرب، نام رودی در نومه نور	Nunduinë
آسمان کوچک، طاق عظیمی که که والینور را می پوشاند، توسط واردا ساخته شده بود و پر از تصویر ستارگان بود	Nur-menel
شرقی، از سمت طلوع (صفت)	Órëa

معنی فارسی	الفی
سالن، دالان، اتاق بزرگ	Mardë
خانه ی مسکونی	martan (martam-)
برج، قلعه ی بلند	Marto
روستا، دهکده	Masto
خانه	Mélamar
منطقه، طرف، سرزمین	Ména
راه یا مکان، نقطه، موقعیت	Men
قلعه، شهری با دژ و برج دیده بانی مرکزی	Minassë
جان پناه، برج متحرک	Mindë
برج تک و دور افتاده	Mindo
برج (بزرگ و مرتفع)	Mindon
گوسفند یا آغل گوسفند	moalin (moalind-)
پایه گذاری یک سرزمین	Nandin
درخت معطر، منطقه ای در نومه نور	Nísimaldar
آب معطر، دریاچه ای در نومه نور	Nísinen
مکان، جا	Nómë

معنی فارسی	الفی
چهار دیواری، محوطه	Panda
سطح صاف، هموار	Passa
زمین حصار کشیده	Peler
مایل به پایین، سراشیبی، کج	Penda-
زمین نصف شده، زمین تقسیم شده	Perina
شرق	rómen, Rómen
سقف طاق دار یا قوس دار	Rondo
اتاق، تالار، اتاق خواب	Sambë
مکان سنگی	Sarnë
سنگلاخ	Sarnië(sarniyë)
این مکان	Sinomë
سقف، بام، طاق	Tel
خیمه، آسمان	Telimbo
حفاظ، سایه بان، پناه گاه	Teltassë
برج بلند	Tirin

معنی فارسی	الفی
بوچی خارجی در پس جهان	Oiacúma
نام دیگر گوندولین شهر مخفی الف ها که در دوران اول توسط تورگون ساخته شد	Ondolindë
گاندور(سرزمین سنگی)	Ondonórë, Ondórë
خانه دیوار دار یا روستای	Opelë
کوهستان آرام بخش	Orofarnë
تالار بزرگ	Oromardë
سراشیب	Oronta
شرقی	Orróna
دیوار و خندق	Ossa
مزرعه رعیتی، شهر موطن	Osta
شهرستان	Ostar
سنگ فرش، بارگاه	Paca
زمین صاف	Palar
چمن، مرغزار	Palis
سطح، سطح زمین	Palúrë



معنی فارسی	الفی
خانه والا، شهر والار، والینور	Valimar
سرزمین (یا مردم) والار	Valinor
(جایگزینی برای) والیمار	Valmar
پیاده رو	Vanta
محراب، مقبره، جایگاه مقدس	Yána
پل	Yanta
پل، اتصال، باریکه اتصال دو منطقه	Yanwë
دره، شکاف، خور و خلیج	Yáwë
منطقه گسترده ای با مرزهای مشخص طبیعی	Yondë
مرز، حاشیه، سرحد	Yonwa

معنی فارسی	الفی
برج، برج دیده بانی	Tirion
شهری با دیوارها و برج ها	tirios (tiriost-)
سقف، طاق، مسکن	Tópa
جزیره، جزیره کوچک	Tol
جزیره ی پر شیب	Tollë
قصر	Tombo
کاخ، کوشک	túríon (túríond-)
مقبره، تخت روان، جسد	Tulma
قلمرو، متصرفات	Turmen
عمیق، پایین، در ارتفاع کم از سطح دریا	Tumna
چوب، بیشه، جنگل	Turu
پرتگاه	Undumë
سرزمین والار	Valandor

## فصل بیست و پنجم

### نژادها و اقوام

---

عنوان نژادهای مختلف و القاب مختلفی که به آن ها داده شده است.

معنی فارسی	الفی
نامی از تلری، ظاهرا، نوازندگان کنار ساحل	Falanyel (falanyeld-)
انسان	Fírimo
انسان فانی	Fire
انسان	Firya
برای مردمان غیر اداین استفاده میشد	Haravani the wild
پیروان"، یک نام الفی برای انسان های فانی به عنوان دومین فرزند از ایلوواتار	Hildo-
ترول	Hruo
تعرفی برای الف هایی که از قلمروی متبرک نیستند	Ilcorin
جادوگر، برای گندالف، سارومان، راداگاست و... استفاده می شد	Istar
دانایان، گنوم ها (نولدور)	Istimor. Istimo.
الف های سبز	Laiquendi

معنی فارسی	الفی
شکل مونث " "Ainu"	Aini
ایزد	Aino
یکی از قدسیان، روح قدسی، شکل مذکر "Aini"	Ainu
الف هایی که به سمت آمان حرکت کردند اما به آن نرسیدند	Alamanya
بعد از تولد، اسم الفی بر انسان ها به عنوان فرزندان دوم ایلوواتار	Apanónar
الف های که مخالف رفتن به امان بودند (avari)	Avamanyar
الف های که دعوت آمان را رد کردند	Avar
عالی، والار عالی مقام	Avatar
الف های روشن، الف های روشنایی	Calaquendi
دورف، کوتوله	Casar
الف، الف های برتر	Elda
نولدور تبعید شده	Etyangol(etyan- gold)
خاندانی از الف ها	Edalië

معنی فارسی	الفی
گنوم ها	Nurquendi
دورف خرد	nuxo
الف هایی که از بلریاند به آمان آمدند	Oarel (Oareld-)
پری دریایی	oaris (oarits-)
ارک (الف های شکنجه شده توسط ملکور که باعث پلیدی آنها شد و به خدمت ملکور در آمدند	Orco
جمع ارک	orcor or orqui:
نیمه الف	Perelda
هابیت	Perian (periand-)
دورف؟	Picinauco
دورف کوچک	Pityanauco
الف	Quendë
مردم الف ها	Quendelië
الف های مسابقه دهنده	Quendi
جمع <b>quendir</b> الف زن	Quendi

معنی فارسی	الفی
الف های باقیمانده در سرزمین میانه یا ایلکورین ها	Lembi
نامی که الف های سبز بر خود نهادند، لاکوئندی، ناندور	Lindi
مفرد مایار - زیبا	Máya
نخست زاده شدگان، الف ها (مقایسه کنید با <b>Apanónar</b> از پیش آمدگان، انسان ها)	Minnónar
آزاد / یکی از اسامی تلری	Mirimor
الف سبز، دانایان	Nana
نام یک الف سبز (لیاکوئندی)	Nando
دورف، کوتوله	Nauco
یکی از مردم نولدور، مفرد نولدوها	Noldo
نولدویی، از نولدور	Noldorinwa
دورف، کوتوله	Norno
مردم غرب	Númen(n)óre
مردان غربی، سینداری، دونه داین	Núnatani

معنی فارسی	الفی
انسان بلند مرتبه (برین)، پیروان شریف، اشاره به دونه داین	Tarhildi
الف های برین = لیندار = وانیار	Tarquendi
حوری جنگلی، روح جنگل (مونث)	Tavaril
حوری جنگلی، روح جنگل (مذکر)	tavaro, tavaron
مردم-تلی	Telellië
الف دریا	Teler
تترین	Telerin
تترین	Telerinwa
نومه نوری	Turcil

معنی فارسی	الفی
کسی که از آمان نیست، الف هایی که هرگز به آمان نرسیدند	Úmanya
جمع <b>quendur</b> الف مرد	Quendu
گابلین ها	Sancossi
آدمخوار، ماده غول	Sarquindi
الف هایی که ساکن آمان نیستند	Úmaneldi و هرگز در آن سکونت نداشته اند
الف خاکستری = سیندا	Sindel (Sindeld-) (p)
نامی برای تلی	Solonel (Soloneld-)
الف های خاکستری	Sindarinwa
الف برین، الف بلندمرتبه	Tarelda

## فصل بیست و ششم وقایع و بازه های زمانی

---

شامل کلمات معادل ماه های میلادی، بازه های زمانی همچون ساعت و روز و هفته و... همچنین عباراتی  
برای اعلام هر ساعت از روز

معنی فارسی	الفی
ژوئیه	Cermië
نوبت خورشیدی/سال خورشیدی	Coranar
شمشین ماه سال میلادی ژوئن	Ellairë
روزهای میانی در تقویم ایملادریس	Enderi
پاییز	Endien
هفته ی شش روزه ی الدارین	Enquië
فوریه	Ercoirë
نیمه ی دوم ماهه ژانویه	Erintion
سپتامبر	Erquellë
نوامبر	Errivë
آوریل	Ertuilë
آخرین سال قرن در تقویم نومه نوری ها	Haranyë
نوامبر	Hísimë (p)-
زمستان	Hrivë
روزانه، روزمره	Ilaurëa

معنی فارسی	الفی
روز	Árë
هفته ی درختان، هفته ی نیمه سال	Aldalemnar
چهارمین روز از هفته شش روزه ی الداریون، مختص تلیریون، درختان سفید	Aldëa
روز	Ar
روز فانتوری (ماندوس و لورین)	Ar fanturion
روز مانوین	Ar manwen
روز اولمو	Ar ulmon
روز ازدواج (اعوله و یاوانا)	Ar veruen
در روز	Arië
صبح	Arin
صبح زود	Artuilë
سومین روز از هفته پنج روزه ی تقویم والینوری	Arveeuen
دوازده ساعت، روز	Arya
جشن	Asar
ماه (ماه فصل ها)	Asta

معنی فارسی	الفی
ماه جوئن	Nárië
ماه اکتبر	Narquelië
آتش بی نور، پاییز	Narquelion
ماه ژانویه	Narvinyë
فبریه	Nénimë
یک وقتی، یک زمانی (در گذشته)	Nëa
روز سه خدایان جوانتر؛ اوسه، اورومه، تولکاس	Neldion
نام معادل ماه مارچ	Nócoirë
نام معادل ماه جولای	Nólairë
نام معادل اکتبر	Nóquellë
معادل ماه می	Nótuilë
نام معادل دسامبر	Norrívë
دوره بی پایان	Oio
جاودانی، ابدی	Oirë
هفته	Otsola

معنی فارسی	الفی
سومین روز از هفته ی شش روزه ی الداری، مختص به ماه	Isilya (p)
تابستان	Lairë
هفته (پنج روزه)	Lemnar
شب	Ló
هنگام غروب، گرگ و میش همچنین شب	Lómë
وسط سال	Loëndë
زمان	Lúmë
تاریخ	Lúmequenta
تاریخ	Lúmequentalë
تاریخ	Lumenyárë
ضیافت، جشن و جشنواره، عید	meren (merend-), merendë
تعطیلات و روزهای بیکاری	Meryalë
(نام معادل) آگوست	Metelairë
نام معادل ژانویه	Meterrívë



معنی فارسی	الفی
سوزاندن	urya-
فرار کردن، گریختن	us-
کار بدی کردن	uscarë (p)
سوزاندن	usta-
قریب الوقوع بودن، حتمی بودن (در معنای بد و شوم)	úva-
کف پوش کردن	untúp-
به سختی ساختن	Urucarin
گرگ و میش، نزدیک شب (tindómë اشاره به گرگ و میش سحر دارد)	Undómë
معادل آگوست	Úrimë
آخرین روز هفته ی شش روزه ی الداری، اختصاص داده شده به والار	Valanya
گذشته	Vanwië
روز سال نو	Vinyarië
آپریل	Víressë

معنی فارسی	الفی
آخرین روز سال	Quantien
شبانه روز، ۲۴ ساعت	Ré
دسامبر	Ringarë
در این ساعت	Sillumë
شب، شام، عصرگاه	sinyë (p)
ماه مارس	Súlimë
بهار، زمان بهار	Tuilë
فعل منفی. انجام ندادن، نبودن	ua-
گناه کردن، تخلف، اشتباه کردن	úcar-
افشاندن، ریختن	ulya-
نبودن، انجام ندادن	um-
باروری، زایش	úma-
بلعیدن، قورت دادن	undulav-
تو خالی کردن	unca-
خشمگین شدن	Ursa- (p)
سوزاندن	urta-

معنی فارسی	الفی
زمان سابق	Yalúmë
کهن، پیشین	Yalúmëa
باستانی، کهن	Yára
روزهای اخیر، روزهای گذشته	Yárë
قدیمی، پیشین	Yárëa
معادل سپتامبر	Yavannië
پاییز، خزان	Yávië
سال طولانی الفی از سال ۱۴۴ خورشیدی، ۵۲، ۵۹۶ روز	Yén
سال قبل، سال اخیر	Yenya
روز شروع، اولین روز سال	Yestarë

سایت آردا، با نشانی <https://arda.ir>، یکی از تارنماهای طرفداران تالکین در ایران است. این وب‌گاه که نخستین مجمع اینترنتی هواداران تالکین بود از سال ۱۳۸۳ به کار خود در زمینه گسترش ادبیات فانتزی با تکیه بر رشته افسانه تالکین ادامه می‌دهد. اعضای این سایت غیرانتفاعی با نوشتن مقالات، ترجمه‌ی آثار و پوشش اخبار مربوط به این شاخه از ادبیات فانتزی، (و اخیراً با گرم شدن بازار اقتباس‌های سینمایی از آثار تالکین) بازتاب خبرها و نقدهای مربوط به فیلمها، سعی در درست کردن مرجعی کامل برای علاقمندان دارند. مراحل مختلف فرآیند راه‌اندازی، فعالیت و گزیده‌ای از مهم‌ترین اتفاقات و اخبار مربوط به سایت از ابتدا تا اکنون، در صفحه «خط‌زمانی آردا» قابل مشاهده است.

سایت آردا در: فیسبوک، توئیتر، اینستاگرام و تلگرام حضور دارد و به همت «مهدی مهرنگار»، اپلیکیشن اندوید سایت آردا توسعه داده شده که از سایت آردا و کافه بازار قابل دریافت و نصب است.

بخش‌های اصلی سایت آردا به این شرح است:

- **فرهنگنامه بزرگ آردا:** مرجع کامل اسامی، وقایع، شخصیتها و هرآنچه در دنیای آثار تالکین می‌گذرد. این فرهنگنامه در حال گسترش است و به صفحات آن افزوده می‌شود.
- **پادکست آردا:** محصولی هوادارمحور که به بررسی اخبار و حواشی سایت می‌پردازد. این پادکست بصورت جاری در صفحه‌ی هر شماره قابل شنیدن می‌باشد. همچنین در همان صفحات فرمت mp3 آن در دو نسخه‌ی معمولی و با کیفیت قابل دریافت است.
- **ماهنامه آردا:** آردا کوئنتا، محصولی هوادار محور است که به بررسی اخبار مربوط به دنیای تالکین پرداخته و محلی برای انتشار برخی مقالات اعضای سایت می‌باشد. این ماهنامه در فرمت pdf در صفحه‌ی هر شماره قابل دریافت است.

• و...